نسیم جنوب

nasimjonoub.com

سال بیست و دوم- شماره ۸۸۷ یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



تجلیل از خدمات علمی پرفسور مشفقیان در دانشگاه خلیج فارس بوشهر

صفحه ۸

استاندار بوشهر تاکید کرد:

ضرورت عملیاتی شدن واردات کالای ملوانی در بوشهر

صفحه ۲



مصاحبه نسیم جنوب با پرفسور احمد دالکی پدر علم نجوم آماتوری ایران:

به این آسمان تا مجانی است نگاه کنید

از نظر علم نجوم در دنیا جایگاهی نداریم!

صفحات ۴ و ۵





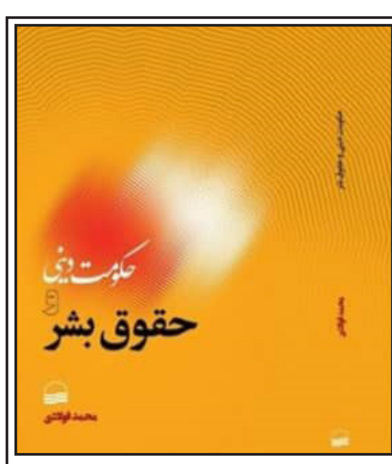
جشن صعود شاهین با آواز «هلل یوس هل یوسه»

صفحه ۷

فروش آپارتمان

واحدهایی از مجموعه ی آپارتمانی نوساز واقع در خیابان عاشوری نبش کوچه بهارستان ۲۲ مناسب برای مطب پزشکان و دفتر وکالت به فروش می رسد.

شماره تلفن تماس: ۳۳۵۴۰۱۴۵- ۰۹۱۷۷۷۴۶۱۶۸ آقای شاهمیری



حکومت دینی و حقوق بشر
کتابی از شیخ محمد فولادی
نمایشگاه بین المللی کتاب
انتشارات کویر

دعوت به همکاری

شرکت صنعتی- معدنی- بازرگانی در منطقه جنوب کشور برای دفتر مرکزی خود واقع در شهر بوشهر به تخصص های ذیل نیازمند است:

۱- کارشناس بازرگانی داخلی و خارجی ترجیحاً کارشناسی و بالاتر (حداکثر سن ۳۰ سال).
۲- کارشناس منابع انسانی و امور اداری ترجیحاً کارشناسی و بالاتر (حداکثر سن ۳۰ سال).
۳- کارشناس امور مالی و حسابداری ترجیحاً کاردانی و بالاتر (حداکثر سن ۲۵ سال).
٤- کارشناس امورحقوقی و قراردادها ترجیحاً کارشناسی و بالاتر (مسلط به قراردادهای بین المللی - حداکثر سن ۳۰ سال).
۵- رئیس دفتر مدیرعامل، فارغ التحصیل کارشناسی یکی از گرایش های مدیریت و بالاتر با ارتباطات اجتماعی قوی (حداکثر سن ۳۰ سال).

- کلیه داوطلبان بعد از طی مراحل مصاحبه و آزمون به خدمت گرفته می شوند.
- تسلط به ICDL برای کلیه ردیف ها ضروریست.
- تسلط به زبان انگلیسی برای ردیفهای یک و چهار و پنج ضروری می باشد.
- داوطلبان رزومه خود را به همراه اسکن شده یک قطعه عکس ٤×۳، کپی شناسنامه و کارت ملی به آدرس پست الکترونیکی Info@gkbworld.com یا واتس آپ ۰۹۱۷۵۸۷۱۳۶۲ ارسال نمایید.

اطلاعیه برگزاری مجمع عمومی سالانه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر

بدینوسیله به اطلاع مهندسان گرامی می رساند، مجمع عمومی عادی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر با دستور کارهای ذیل رأس ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۹۸/۰۳/۱۱ در محل سالن جلسات سازمان برگزار می گردد.

۱- انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل
۲- ارائه بیلان مالی سال ۹۶
۳- ارائه اصلاحیه بودجه سال ۹۷
٤- ارائه بودجه سال ۹۸
۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای اطلاعیه های سازمان

ضمناً در صورت عدم حصول اکثریت لازم برای رسمیت یافتن جلسه در نوبت اول، جلسه دوم رأس ساعت ۱۷ روز سه شنبه مورخه ۹۸/۰۳/۲۱ در محل سالن اجتماعات ۹ دی (مجتمع فرهنگی و هنری بوشهر) با همان دستور کارهای فوق الذکر تشکیل می شود.

«روابط عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر»

نسیم جنوب
NASIM JANOUB
۲
خبر
شماره ۸۸۷ یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸

استاندار بوشهر تاکید کرد:
ضرورت عملیاتی شدن واردات کالای ملوانی در بوشهر

استاندار بوشهر با اشاره به مصوبه ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز کشور برای واردات ۱۰۰ قلم کالا همراه ملوان گفت: با توجه به اطلاع رسانی این طرح، عملیاتی شدن آن در راستای افزایش رضایت‌مندی جامعه هدف و بهبود وضعیت اقتصادی تسریع شود.
به گزارش ایسنا، عبدالکریم گراوند در نشست برنامه‌ریزی هماهنگی و نظارت بر مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان بوشهر با اشاره به آزاد شدن واردات ۱۰۰ قلم کالا در قالب کالای ملوانی خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه اعلام این طرح از مدت‌ها پیش اطلاع رسانی شده است، باید اجرای آن در راستای بهبود معیشت و اقتصاد جامعه به ویژه ملوانان و ساحل نشینان استان بوشهر تسریع شود.
وی با اشاره به پیگیری صدور برگ سبز ترخیص کالای ملوانی و ته‌لنجی تصریح کرد: برای انتقال



و جابه‌جایی کالای همراه ملوان و ته‌لنجی، صدور برگ سبز و پروانه گمرکی مورد توجه قرار بگیرد چرا که با انجام این مهم ضمن افزایش رضایت‌مندی مردم از قاچاق کالا جلوگیری می‌شود.
استاندار بوشهر بر پیگیری ۵۰ درصدی وصول درآمدهای کالاهای ترخیصی ملوانی به استان بوشهر تاکید کرد و افزود: با هدف توسعه زیرساخت‌ها ۵۰ درصد از میزان وصولی درآمدهای کالای ترخیص ملوانی، به استان بوشهر اختصاص یابد.
استاندار بوشهر، انتقال گندم خارج از شبکه را خلاف قانون دانست و تأکید کرد: در برداشت، حمل، و تحویل گندم کشاورزان استان بوشهر و پرداخت به موقع مبلغ گندم تحویلی به کشاورزان تسریع شود تا از بروز تخلف و قاچاق این محصول استراتژیک جلوگیری شود.
گراوند با تأکید بر مکان یابی برای جابه‌جایی ایستگاه بازرسی شهید موسوی دیلم گفت: برای تعیین مکان این ایستگاه بازرسی، کارگروه تخصصی تشکیل و تعیین تکلیف شود.

معاون استاندار بوشهر خبر داد:
رشد ۶۲ درصدی ارزش صادرات غیرنفتی بوشهر به قطر



معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری بوشهر از رشد ۶۲ درصدی ارزش صادرات غیرنفتی گمرکات بوشهر به قطر در سال گذشته خبر داد.
به گزارش ایسنا، سعید زرین‌فر اظهار کرد: در سال ۹۷ صادرات غیرنفتی از طریق گمرکات استان بوشهر به کشور قطر حدود ۶۷۸ هزار تن کالا به ارزش حدود ۱۱۷ میلیون دلار بوده است، این میزان نسبت به مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزن ۴۷ درصد و از نظر ارزش ۶۲ درصد رشد داشته است.
وی تاکید کرد: عمده‌ترین کالاهای صادراتی از گمرکات استان به کشور قطر در سال گذشته شامل مواد معدنی (عمدتاً سیمان، کلینکر و سایر مواد معدنی) و محصولات کشاورزی (عمدتاً هندوانه و خربزه، کلم، گوجه فرنگی، بادمجان و کدو، خیار و یونجه) بوده است.
معاون استاندار بوشهر بیان کرد: از لحاظ وزن مواد معدنی با ۶۲ درصد، محصولات کشاورزی با ۲۳ درصد و کالاهای صنعتی با ۱۴ درصد و همچنین از لحاظ ارزش محصولات کشاورزی با ۵۴ درصد، کالاهای صنعتی با ۲۸ درصد و مواد معدنی با ۱۷ درصد بیشترین سهم را داشته‌اند.
وی افزود: در سال ۹۷ تعداد هشت گمرک تجاری استان در زمینه صادرات به مقصد بنادر کشور قطر فعال بوده‌اند؛ گمرک دیر با بیش از ۴۶ میلیون دلار و گمرک منطقه ویژه بندر بوشهر با بیش از ۴۵ میلیون دلار نقش اصلی در صادرات کالا به کشور قطر داشته‌اند و خوشبختانه بندر ریگ نیز از سال ۱۳۹۷ وارد چرخه صادرات کالا به این کشور شده است.
زرین فر خاطرنشان کرد: استان بوشهر دارای سابقه طولانی مبادلات تجاری با کشورهای منطقه بالاخص کشور قطر است، از اوایل سال ۹۶ و با توجه به مشکلات پیش آمده در روابط کشور قطر با سایر کشورهای عربی، فرصت مناسبی برای توسعه مبادلات تجاری بین جمهوری اسلامی ایران به ویژه استان بوشهر با کشور قطر فراهم شد.
معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری بوشهر عنوان کرد: با وجود اینکه در این دوره روند گسترش صادرات به این کشور به صورت مداوم در حال افزایش بوده است اما مدیران ادارات اقتصادی و فعالان بخش خصوصی باید بدانند که ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های استان بوشهر بالا بوده و تا رسیدن به تعاملات تجاری شایسته و مطلوب بین تولیدکنندگان و بازرگانان طرفین هنوز فاصله داریم و باید همچنان پر تلاش و کوشا باشیم.

فرمانده انتظامی استان اعلام کرد؛
افزایش نگران کننده تصادفات بوشهر در یک ماه اخیر

فرمانده انتظامی استان بوشهر اظهار کرد: آمار وقوع تصادفات در یک ماهه اول سال در استان بوشهر افزایش نگران کننده‌ای داشته است.
به گزارش ایسنا، سردار خلیل واعظی در تشریح عملکرد یک ماهه پلیس استان گفت: در این مدت متوفیان تصادفات ۶۱ درصد و مصدومان هم افزایش ۱۳ درصدی نسبت به سال قبل داشته است.
وی ابراز امیدواری کرد با همکاری مردم استان و مسئولان با انجام اقدامات پیشگیرانه از تلفات جاده‌ای جلوگیری کنیم.
واعظی عنوان کرد: در یک ماهه اول سال جاری بالغ بر ۶۷۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان کالای قاچاق در استان کشف شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۳۲ درصد ارزش ریالی بیشتری دارد.
وی از کشف بیش از ۷۸۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر در یک ماهه اول سال در استان خبر داد و افزود: این مقدار کشفیات نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۱ درصد رشد داشته است. بیش از ۹۰ درصد این کشفیات در جنوب استان و شهرستان عسلویه بوده است.
سردار واعظی تاکید کرد: کشف جرایم خشن استان ۴۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد داشته است.
وی بیان کرد: اگر چه وقوع سرقت‌های عادی در این مدت افزایش داشته ولی کشف سرقت‌ها ۴۲ درصد و دستگیری سارقان نیز ۶۴ درصد نسبت به مدت مشابه افزایش داشته است.
این مقام ارشد پلیس از افزایش ۳۴ درصدی جرایم رایانه‌ای استان در یک ماهه خبر داد و گفت: با کشف ۹۳ درصد از جرایم رایانه‌ای اتفاق افتاده در استان نسبت به مدت مشابه سال قبل نیز کشف این جرایم رشد ۵۷ درصد دارد.

رانندگی در معابر بوشهر، هزینه دار و خطرآفرین

تکه پاره شدن آسفالت خیابان ها و کوچه های شهر بوشهر و ترمیم ناقص و غیراصولی آنها و غیر هم سطح بودن درهای منهول های فاضلاب با سطح آسفالت باعث شده تا رانندگی در این معابر هزینه دار، خطرآفرین و بیشتر به مسابقات اتومبیلرانی در جاده های ناهموار شبیه باشد.
به گزارش ایرنا، این روزها کمتر کوچه و خیابان با آسفالت مسطح و یکدست در شهر بوشهر می توان یافت زیرا بیشتر این معابر به علت حفارهای دستگاه های مرتبط با امور زیربنایی حفاری و به علت ترمیم های ناقص با کیفیت پایین پر از چاله چوله شده و رانندگی در آنها آزاردهنده و هزینه دار است.
از طرفی وجود منهول هایی که حدود ۴۰ سانت با سطح آسفالت خیابان و کوچه ها ارتفاع دارند و بیشتر به تپه و و گنبدهایی شبیه هستند که راننده باید آنها را دور بزند و وسیله نقلیه را طوری منحرف کند که به آنها برخورد نکند.
وجود این ناهمواری ها در خیابان ها و کوچه های شهر بوشهر علاوه بر تحمیل هزینه های زیاد بر صاحبان خودرو و دیگر وسایل نقلیه روزانه حوادث رانندگی زیادی را بوجود می آورد که مصدومیت ها و گاهی تلفات جانی نیز به همراه دارد.
رانندگانی که به کرات از یک خیابان برای تردد استفاده می کنند با آشنایی از مسیر برای تردد در سریع ترین زمان ممکن دور زدن برآمدگی و فرورفتگی آسفالت را انتخاب می کنند که این انحراف از مسیر در برخی مواقع برای سایر وسیله های نقلیه حادثه ساز می شود.
یک شهروند بوشهری گفت: آسفالت بسیاری از خیابان های شهر بوشهر پر از چاله ها و ناهمواری هایی است که در برخی مواقع جان شهروندان را به مخاطر می اندازد.
مهدی جلال وند اظهار داشت: این چاله ها در بیشتر مواقع باعث انحراف رانندگان از مسیر مستقیم و در نهایت سوانح رانندگی شده است.
دیگر شهروند بوشهری گفت: اینکه هر دستگاهی در مقطعی از سال یکی از خیابان های شهر بوشهر را برای انجام پروژه های خود حفاری و آسفالت آن را تکه پاره کند برای شهروندان این بندر عادی شده ولی ای کاش نظارتی بود تا آسفالت ترمیمی آن با دقت بیشتری صورت می گرفت.
محمد احمدزاده اظهار داشت: انتظار است دستگاه های حفاری در این زمینه هماهنگی بیشتری داشته باشند تا در طول سال یک خیابان چندین بار حفاری و ناقص ترمیم نشود و فقط با یکبار حفاری چند کار انجام دهند.
یک تعمیرکار خودرو گفت: وجود ناهمواری ها در آسفالت معابر شهر بوشهر میزان خرابی خودروها را افزایش داده طوری که میزان مراجعه خودرها برای تعمیر جلوبندی در سال بسیار بالاست. علی جوکار اظهار داشت: در بوشهر فراتر از وجود چاله ها در معابر در منهول های غیرهم سطح نسبت به آسفالت است که وسط مسیر تردد وسایل نقلیه واقع شده و در بسیاری از مواقع باعث وقوع سوانح رانندگی است.
دیگر شهروند بوشهری گفت: کوچه ما در خیابان شهید شهریاری واقع شده که بتازگی پوشش سیمانی برای قالب در منهول ها با ارتفاعی حدود ۴۰ سانتی متر نسبت به سطح آسفالت آن کار شده است. دیگر شهروند بوشهری گفت: درکوچه های این شهر برخی شهروندان بدون هیچ مجوزی آسفالت را برای انجام کار شخصی حفاری و پس از انجام کاراز ترمیم آن خودداری و یا به صورت بسیار نامطلوبی آن را ترمیم می کنند. مهدی احمدی افزود: این رویه باعث شده تا آسفالت کوچه ها تنها برای چند ماه اولیه کیفیت لازم را داشته باشد و پس از گذشت چند مدت پر از چاله چوله است.
عضو شورای شهر بوشهر گفت: حفاری های گسترده و بدون برنامه در بیشتر خیابان ها بویژه مرکز شهر در برخی مواقع تردد شهروندان را با اختلال جدی روبرو می کند.
کیوان هاشم زاده افزود: جدا از کند بودن، ترمیم نوارهای حفاری بسیار بی کیفیت انجام می شود و بابت کم کاری مجموعه های حفار، اعضای شورا و شهرداری مورد نقد قرار می گیرند.
رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر گفت: نهضت آسفالت معابر از جمله برنامه شهرداری برای سال جدید است که با اعتباری افزون به ۱۰۰ میلیارد ریال آغاز می شود. ابوذر دهدار افزود: پیش بینی می شود این میزان اعتبار مشکل بخش عمده‌ای از کوچه‌های خاکی و یا دارای آسفالت نامرغوب را ساماندهی کند. در ارتباط با دستگاه های خدماتی حفار باید یک مدیریت هماهنگ در سطح شهر ایجاد شود تا هر دستگاه بطور سلیقه ای اقدام به حفاری در شهر نکند.
شهردار بندر بوشهر گفت: امسال طرح آسفالت کوچه ها و محلات با اولویت محلات جنوبی در دستور کار شهرداری بندر بوشهر قرار گرفته که پس از هماهنگی و آماده سازی محل (اجرای کانیو و جدول بندی و زیرسازی) اجرای آسفالت آن عملیاتی می شود.
سید نورالدین امیری افزود: انتظار است با ادامه آسفالت کوچه و معابر شهر علاوه بر بهبود وضعیت حمل و نقل و تردد عمومی تغییر اساسی مبلمان شهری نیز محقق شود. اولویت کاری این شهرداری در بخش آسفالت نیز بیشتر توجه به مناطق و محلات کمتر توسعه یافته است ولی با این وجود بهسازی آسفالت در خیابان ها نیز در دستور کار قرار گرفته است.

مدیرکل شیلات استان مطرح کرد؛
کاهش ذخایر دریایی استان بوشهر

مدیر کل شیلات استان بوشهر اظهار کرد: یکی از مشکلات پیش روی شیلات استان بوشهر، کاهش ذخایر دریایی است.
به گزارش ایسنا، عباسعلی زنده بودی اظهار کرد: یکی از راه‌های تقویت مدیریت ذخایر دریایی، اجرای طرح دریابست است که چند سال اخیر در استان بوشهر اجرا می‌شود. اجرای این طرح یکی از ضرورت‌های دریا است که تصمیم داریم اجرای آن برای مدت بیشتری ادامه پیدا کند.
مدیرکل شیلات استان بوشهر یادآور شد: طرح زیستگاه‌های مصنوعی سال‌های گذشته توسط شیلات استان برای تقویت ذخایر دریایی، اجرا و به دلیل کمبود اعتبار متوقف شده اما جامعه صیادی با



سرمایه شخصی خود و مجوز شیلات این طرح را اجرا می‌کنند.
وی با بیان اینکه این استان با تولید ۲۳ هزار و ۲۰۰ تن میگوی پرورشی، رتبه نخست تولید این آبزی را در سطح کشور به خود اختصاص داده است، عنوان کرد: ۱۰ سایت با مساحت ۵۰۰۰ هکتار سطح مفید زیر کشت پرورش میگو در استان بوشهر است که تصمیم داریم با برنامه ریزی و حمایت دولت این میزان تولید را به ۲ دوره در سال افزایش دهیم.
زنده بودی افزود: در سال گذشته بیش از ۹۰ درصد میگوی پرورشی تولید شده در استان بوشهر به خارج از کشور صادر شده که با توجه به زمینه مساعد صادرات این آبزی به کشورهای هدف، دو برابر کردن دوره تولید آن در سال مورد توجه قرار گرفته است.
مدیر کل شیلات استان بوشهر، سرانه مصرف آبزیان دریایی در کشور را ۱۱ کیلوگرم عنوان کرد و گفت: رویکرد دولت، افزایش سرانه مصرف آبزیان در کشور است.
به گزارش ایسنا، بندر دیّر در جنوب استان بوشهر واقع شده و با مرکز استان ۲۰۸ کیلومتر فاصله دارد؛ دیّر به عنوان بزرگترین بندر صیادی ایران شهرت دارد.

شهردار بندر بوشهر عنوان کرد:
نهضت آسفالت کوچه ها با اولویت محلات جنوبی بوشهر آغاز می شود



به گزارش واحد خبر و رسانه مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر، در جریان بازدید دکتر سیدنورالدین امیری شهردار بندر بوشهر از تنگک اول که نصراله سلطانی معاون عمرانی، وحید واعظی معاون اجرایی و خدمات شهری و ایرج حسین پور مدیر ارتباطات و امور بین الملل شهرداری بندر بوشهر نیز حضور داشتند، دکتر امیری در جمع اهالی محل و شورایاران تنگک اول، اظهار داشت: امسال طرح آسفالت کوچه ها و محلات با اولویت محلات جنوبی در دستور کار شهرداری بندر بوشهر قرار گرفته که پس از هماهنگی و آماده سازی محل (اجرای کانیو و جدول بندی و زیرسازی) اجرای آسفالت آن، عملیاتی خواهد شد و تلاش بر این است تا با ادامه آسفالت کوچه و معابر شهر، شاهد بهبود وضعیت حمل و نقل ، تردد عمومی و تغییر اساسی مبلمان شهری در راستای ارائه خدمات مطلوب و قابل قبول به شهروندان باشیم.
دکتر امیری با تأکید بر اینکه اعتبارات سالانه شهرداری بر پایه نیازهای اساسی مناطق از جمله آسفالت پیش بینی می شود، افزود: اولویت کاری این شهرداری در بخش آسفالت، توجه به مناطق و محلات کمتر توسعه یافته است. وی بر خدمات رسانی و نظارت بیشتر در محلات جنوبی شهر در راستای توسعه متوازن و برابر با سایر مناطق و محلات شهر بوشهر تاکید کرد و افزود: شورایاران با نیت و خدمت و تلاش ارزشمند خود، وظیفه ای را که به عهده آنان گذاشته شده است از طریق پیگیری



مطالبات و درخواستهای اهالی و ساکنان محل به شکل مطلوبی پیگیری می کنند که این موضوع نه تنها مانعی برای اجرای فعالیت های مدیریت شهری در اجرای صحیح وظایف و خدمات به شهروندان ایجاد نمی کند، بلکه در اکثر موارد به عنوان بازوی پرتوانی برای حمایت و کمک و مشاوره دادن در امور اجرایی شهرداری نیز محسوب می شوند.
امیری در ادامه گفت: البته افق های قابل توجهی از رشد و پیشرفت زیرساخت ها و پیشرفت های خدماتی، عمرانی و اجتماعی در سطح شهر همچنان باقی است که انشاالله با استقرار این تدبیر و مدیریت راهبردی مدیریت شهری مبنی بر مشارکت شهروندان در امور مربوط به مدیریت شهری و البته حمایتهای شواری اسلامی شهر بوشهر این مهم نیز محقق خواهد شد.
دکتر امیری در ادامه با تاکید بر اینکه توجه به عمران و آبادانی شهر و اجرای پروژه های عمرانی از مهمترین وظایف شهرداری است، گفت: امیدواریم بتوانیم گامی هر چند کوچک در برآوردن نیازهای اساسی مردم شهر برداریم. وی تصریح کرد: از همه ظرفیت‌ها برای توسعه شهر بوشهر و ایجاد شهری زیبا استفاده خواهیم کرد و امیدواریم شهروندان از زندگی در شهر بوشهر لذت ببرند.
در ادامه این بازدید، شورایاران محله جنوبی ضمن تشکر از تعامل مطلوب مدیریت شهری با شورایاران، از اقدامات خوب و تاثیرگذار مجموعه شهرداری بندر بوشهر در سطح محلات جنوبی تقدیر کردند.

معاون آموزش و پرورش استان بوشهر:
دانش‌آموزان ۱۲ سال فقط رونویسی می‌کنند

معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش استان بوشهر اظهار کرد: دانش آموزان ما در آموزش ۱۲ ساله تنها رونویسی می‌کنند و این موضوع سبب شده دانش آموزان فارغ التحصیل در نوشتن متن، خود را دچار مشکل ببینند و در نوشتن فقط قابلیت رونویسی داشته باشند.
به گزارش ایسنا، محمود قاسمی در آئین تجلیل از فرهنگیان و دانش آموزان برتر حوزه آموزش، با اشاره به اهمیت برنامه‌ریزی کیفی برای تمام دوره‌های تحصیلی عنوان کرد: دوران ابتدایی مهمترین و اساسی‌ترین دوره تحصیلی با توجه به سن دانش آموزان است و به همین منظور باید برنامه‌های این دوره مهم به طور خاص مورد توجه قرار گیرد.
معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش استان بوشهر با تأکید بر اینکه آموزگاران برای تحقق



اهداف آموزشی از تکالیف مهارت محور گام بردارند، یادآور شد: با جایگزینی تکالیف مهارت محور به جای مشق شب، دانش آموزان با کسب مهارت‌های عملی، افرادی مسئولیت پذیر خواهند شد.
وی با اشاره به برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش طی ۲ سال گذشته جهت کیفی سازی این دوره افزود: یکی از برنامه‌های مهم در این راستا پررنگ کردن بازی در برنامه‌های تربیتی است که می‌تواند یک زبان مشترک میان کودکان و اولیای مدرسه ایجاد کند.
وی تصریح کرد: سال گذشته ۲۰۰۰ اتاق بازی در ۱۰ استان کشور راه اندازی شد و در سال آینده نیز تصمیم به افزایش اتاق‌های بازی به ۱۰ هزار اتاق بازی در سراسر کشور است.
معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش استان بوشهر با تأکید بر اینکه بازی می‌تواند در تحقق اهداف سند تحول بنیادین در زمینه یادگیری و شکل گیری شخصیت و هویت بچه‌ها نقش بسزایی داشته باشد اضافه کرد: با استفاده صحیح از روش‌ها و وسایل بازی در زمان و مکان مناسب، بازی باعث یادگیری قوانین و تبعیت از آن در فعالیت‌های گروهی می‌شود.
قاسمی با اشاره به طرح جایگزینی تکالیف مهارت محور به جای مشق شب عنوان کرد: تکالیف مهارت محور نقش بسزایی در ایجاد خلاقیت در دانش آموزان دارد و می‌تواند کمک کند تا تمام استعدادهای بالقوه دانش آموزان شکوفا شود.

رئیس دانشگاه خلیج فارس:
مجتمع فناوری دانشگاه خلیج فارس بوشهر دارای ۹۶ درصد پیشرفت است

رئیس دانشگاه خلیج فارس بوشهر گفت: مجتمع فناوری دانشگاه خلیج فارس بوشهر دارای ۹۶ درصد پیشرفت است.
به گزارش خبرنگار مهر، عبدالمجید مصلح در نشست بررسی طرح‌های دانشگاه خلیج فارس بوشهر اظهار داشت: در راستای توسعه و تقویت تحقیق و پژوهش در دانشگاه خلیج فارس بوشهر اقدامات خوبی صورت گرفته است.
وی با اشاره به ساخت دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه خلیج فارس بوشهر در ۱۰ هزار مترمربع اضافه کرد: این دانشگاه دارای ۱۵ آزمایشگاه، سه کارگاه، ۱۸ کلاس درس و ۲۵ اتاق استاد است.
رئیس دانشگاه خلیج فارس با بیان اینکه تکمیل دانشکده فنی و مهندسی نیازمند ۱۶۰ میلیارد ریال اعتبار است، بیان کرد: اجرای این پروژه در حال حاضر دارای پیشرفت ۸۶ درصدی است.
وی با اشاره به پیشرفت ۹۶ درصدی ساخت مجتمع فناوری دانشگاه خلیج فارس بوشهر بیان کرد: این مجموعه با زیربنای حدود سه هزار مترمربع در حال ساخت است که برای تکمیل آن به ۵۴ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد.
مصلح با اشاره به استقرار شرکت‌های دانش بنیان در مجتمع فناوری دانشگاه خلیج فارس پس از تکمیل آن افزود: هفت هزار نفر در ۲۹ رشته کارشناسی، ۴۸ رشته کارشناسی ارشد و ۱۳ رشته دکتری در دانشگاه خلیج فارس تحصیل می کنند.

آگهی حصر وراثت

خانم معصومه کمالی مقدم دارای شماره شناسنامه ۱۷۰۰۱ دشتستان به شرح دادخواست به کلاسه ۱۱۳۸/۹۰۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین اشعار داشته که شادروان محمد کمالی مقدم به شماره شناسنامه ۶۲۴۶ دشتستان در تاریخ ۹۷/۱۰/۳۰ در اقامتگاه دائمی خود درگذشته و ورثه حین الفوت وی عبارت است به: ۱- خانم سیده مکیه سجادی فرزند سیدغلامحسین به شناسنامه ۷۵ دشتستان (همسر متوفی) ۲- آقای سعید کمالی مقدم فرزند محمد به شناسنامه ۴۳ بوشهر (پسر متوفی) ۳- آقای مسعود کمالی مقدم فرزند محمد به شناسنامه ۲۲۴ دشتستان (پسر متوفی) ۴- آقای عبدالحمید کمالی مقدم فرزند محمد به شناسنامه ۱۷۷ دشتستان (پسر متوفی) ۵- خانم معصومه کمالی مقدم فرزند محمد به شناسنامه ۱۷۰۰۱ دشتستان (دختر متوفی) ۶- خانم عصمت کمالی مقدم فرزند محمد به شناسنامه ۳۱۱ دشتستان (دختر متوفی) ۷- خانم عفت کمالی مقدم فرزند محمد به شناسنامه ۴۳ دشتستان (دختر متوفی) ۸- خانم پریسا کمالی مقدم فرزند محمد به شناسنامه ۶۱۷ شیراز (دختر متوفی) و لاغیر اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. (۱۷۹۷ م الف)
حیدر حقانی (رییس شعبه پنجم شورای حل اختلاف دادگستری برازجان)

۳
نسیم جنوب
مقاله
شماره ۸۸۷ یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

واعظان کاین جلوه در فیسبوک و اینستا می کنند...

فردین علیخواه/ جامعه‌شناس

«عزیزم منو یادتون نیست؟ از ترمینال شرق بردمتون تهرانپارس، ظهر بود گلم، عزیزم این پیامو همینطوری فرستادم حالتو بپرسم... من تو کار لباس زیر زنانه هستم، سوتین در انواع مدل‌ها، اگه خواستی خبر بده گلم...»

جمله‌های فوق پیام راننده یکی از استارتاپ های شهر تهران به خانم جوانی است که از تاکسی این استارتاپ استفاده کرده بود. یکی از هموطنان این پیام را از طریق تلگرام برایم فوروارد کرد. کنجکاو شدم و عکس‌های پروفایل تلگرام این آقای راننده را نگاه کردم. اگر این پیام را نمی خواندم و کسی این عکس‌ها و جمله‌های نابی را که روی آنها نوشته شده بود به من نشان می‌داد و می‌پرسید که به نظر شما این فرد چگونه آدمی است، بی‌تردید می گفتم فیلسوف، معلم اخلاق، انسانی عمیق و متفکر؛ و اگر نمی‌دانستم که در زمان حیات فردریش نیچه؛ فیلسوف آلمانی؛ اینترنت وجود نداشت بی‌تردید می گفتم این پروفایل متعلق به خود فردریش نیچه است!

این روزها متفکرنمایی و فیلسوف نمایی سکهٔ بازار فضای مجازی شده است، به این معنا که بسیاری از کاربران فضای مجازی به شکل‌های مختلف جمله‌های عمیق و ناب را به عنوان معرفی خود استفاده می کنند. جمله‌هایی درباره سرنوشت، جهان هستی، یک رویداد مشخص، خدا، مشقّت‌های انسان بودن، در جهل بودن سایر انسان‌ها (به جز خود ایشان)، محور هستی بودن انسان (عموماً با عکسی از فردی که بر روی قلهٔ کوه ایستاده) و ناچیزشماری دیگران (با عکسی از گلّه گوسفندان). وقتی این عکس‌ها و پیام‌ها را مرور می کنیم بی‌تردید به یک نتیجه می‌رسیم: این فرد چه نگاه عمیقی به دنیای پیرامونش دارد. اینکه او درباره هستی تأمل می کند، تغییرات جهان اطرافش را رصد می کند، می‌بیند و نمی گذرد، پرسش دارد و جهان و مردمان آن را عالمانه می نگرد.

حدود چهل میلیون ایرانی فقط عضو شبکه اجتماعی تلگرام هستند. تحقیق دقیقی نکرده‌ام ولی بررسی‌های اولیه‌ام نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این تعداد، خودشان را با این نوع عکس‌ها و جمله‌ها معرفی می کنند. اگر اینگونه باشد آیا شما



با نتیجه گیری من در پاراگراف قبل موافق هستید که بگوییم ما در کل انسان‌های عمیقی هستیم و مدام مشغول تفکر درباره جهان هستی و رفتارهایمان هستیم؟ تصور می کنم که شما هم مانند من نسبت به این نتیجه تردید داشته باشید.

برخی از جامعه شناسان معتقدند که امروزه، افراد یک هویت آنلاین online؛ یعنی هویتی که در فضای مجازی در مقابل چشم دیگران قرار می‌دهند و یک هویت آفلاین offline، یعنی هویتی خارج از فضای مجازی دارند. قطعاً وضعیت مطلوب آن است که هویت آنلاین/مجازی آدم‌ها ادامه همان هویت آفلاینشان باشد و با آن تناسب داشته باشد. ولی در بیشتر موارد این اتفاق رخ نمی‌دهد. آنچه در فضای مجازی می‌بینیم ویترینی است که تنها عکس‌های قشنگی از کالاها (و نه خود کالاها) در آن چیده شده است و در پشت آن، اساساً کالایی وجود ندارد. در واقع شاهد هویت‌های فتوشاپی و دستکاری شده هستیم. من آنی می‌نمایم که در واقعیت، آن نیستم!

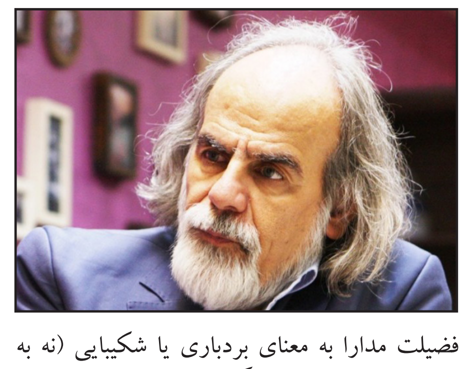
در یکی از نوشته‌هایم اصطلاح «نوکیسگان فرهنگی» را بکار بردم. آدم‌هایی که می‌بینند هم اکنون با کلاس بودن به حرف‌های قشنگ زدن است و برای همین، پروفایل‌ها یا صفحه‌های اینستاگرامی شان پر شده از جمله‌های قشنگ فیلسوفانه. این پدیده آن قدر سکه بازار شده است که کافی است در سایت گوگل عبارت «جمله‌های ناب برای» را تایپ کنید. ایرانیان آنقدر این جمله را در گوگل تایپ کرده‌اند که در ادامه گوگل به شما پیشنهاد می‌دهد: جمله‌های ناب برای استاتوس، جمله‌های ناب برای پروفایل تلگرام، جمله‌های ناب برای بیوی اینستاگرام. حتی کانال‌هایی ساخته شده است که صرفاً برای دیگران این جمله‌های ناب دو سطری را منتشر می کنند. هموطنانمان جمله‌های عالمانه را از گوگل کپی copy و سپس در صفحه شخصی‌شان پیست paste می‌کنند؛ و بعید نیست که بسیاری اساساً این جمله‌ها را نفهمند ولی منتشر می کنند.

ما شاهد ظهور آدم‌هایی با دانش چهل کلمه‌ای یا دوسطری هستیم. درباره همه‌چیز دو سطر می‌دانند. نیچهٔ نگون بخت دویست صفحه کتاب نوشت و در صفحه آخر آن به جمله‌ای درخشان رسید. نوکیسگان فرهنگی حوصله خواندن آن دویست صفحه را ندارند و فقط جمله صفحه آخر را برمی‌دارند. به همین دلیل هویت‌های آنلاین ما با هویت‌های آفلاینمان تناسبی ندارد. در اینترنت یک چیزیم و در زندگی واقعی چیزی دیگر. همه چیز در سطح و صفحه نمایش اتفاق می‌افتد. این راننده محترم در پروفایل اش جمله‌ای دو سطری درباره حقوق بشر هم داشت! غافل از اینکه مزاحمت برای یک خانم هم مصداقی از نقض همان حقوق بشر است. تظاهر دارد دودمان ما را به باد می‌دهد.

به راستی چرا ابزارهای مدرن در ایران به شکل گیری هویت مدرن نمی انجامد؟

فضیلت مدارا

دکتر مصطفی ملکیان



فضیلت مدارا به معنای بردباری یا شکیبایی (نه به معنای حلم، که از آن گاه به صبر تعبیر می‌شود). مدارا یعنی قدرت سازگار شدن با امور به جای ستیز کردن با آنها. گاه از مدارا به تساهل یا تسامح تعبیر می کنند، همان که در زبانهای اروپایی toleration یا tolerance می گویند. من شخصاً تعبیر تساهل یا تسامح را نمی‌پسندم و به نظرم تعبیر مدارا یا رواداری را باید به کار برد.

مدارا یعنی احساس عاطفی خاصی به دیگرباشی، دیگراندیشی و دیگرزیستی داشتن؛ همهٔ انسانها مثل هم نیستند، نمی‌اندیشند و نمی‌زیند، پس در قیاس باهم دیگری‌اند. نحوهٔ عقاید، احساسات و عواطف و هیجانات، خواسته‌ها، گفتار و کردار هرکس با دیگری متفاوت است، هر چند به میزان متفاوت از این یا آن، اما خود این حالت هرکس را موجودی متغایر و، بالاتر، متضاد با دیگری می کند؛ حال هرکس به نحوهٔ بودن خود دلبستگی دارد، اما اگر به نحوهٔ بودن دیگری هم دلبستگی داشته باشد دارای فضیلت مدارا خواهد بود. منظور من از «احساس عاطفی خاص» همین است؛ اگر کسی دقیقاً همان احساسی را که نسبت به بودن خود داشت به دیگری هم داشت کمال مطلوب است، والا هر چه به آن نزدیکتر شود بهتر است، لااقل بیش از پنجاه درصد، تا به آن تعلق خاطر مثبت اطلاق شود.

فضیلت مدارا حالت درونی‌ای است که خود باعث یک سلسله کارهای خاصی نسبت به دیگری می‌شود که از نظر اخلاقی درست‌اند، از جمله مهمترین آنها این است که هرکس با دیگری وارد گفت‌وگو می‌شود؛ هر گفت‌وگوی دیگری که ناشی از مدارا نباشد به معنای دقیق گفت‌وگو نیست، جر و بحث است. مدارا را با یک سلسله امور دیگر هم نباید خلط کرد، که خواهم گفت.

خاستگاه مدارا

۱- گاه انسان تحمل نحوهٔ زیست دیگری را می کند چون ناچار است، یعنی شدیداً خواستار آن است که دیگری نحوهٔ زیستش را مثل او کند اما، به تعبیر عامیانه، زورش نمی‌رسد، آنگاه به نظر می‌آید که دارد مدارا می کند. این خاستگاه مدارا به معنایی که در اخلاق فضیلت به حساب می‌آید نیست؛ مدارا در اخلاق غیر از مدارا در امور سیاسی و اجتماعی است.

۲- خاستگاه دومی هم هست و آن اینکه انسان با دیگری مدارا می کند چون عقیده دارد که مردم با ملایمت بیشتر سر به راه حق می‌آورند تا با ناملایمی و خشونت مثل رفتار پدر و مادر با فرزند. این حالت هم نوعی مصلحت‌اندیشی است و در آن نوعی انسانیت نهفته است.

۳- خاستگاه سوم این است که شخص می‌اندیشد که اگر اجازه دهد همهٔ نحوه‌های زیست در جامعه حضور داشته باشند و هرکس متاع خود را عرضه کند آنگاه ارزش متاع او بیشتر معلوم می‌شود، چون معتقد است آنقدر حقانیت متاع او واضح است که اگر دیگران وارد رقابت با او شوند بالمآل متاع اوست که مطلوبیت خواهد داشت. در اینجا هم نوعی انسانیت نهفته است.

۴- خاستگاه چهارم ناشی از یک دید انسان‌شناختی است و آن اینکه شخص معتقد است که نظام عالم انسانی نظام آزمون و خطاست و هیچ‌گاه نمی‌توان حقی را در اختیار کسی نهاد و حتی اگر هم بشود آن کس قدر آن را نخواهد دانست و بنابراین مطلوب هم نیست، بلکه طرف آنقدر باید آزمون و خطا کند و مدام به زمین خورد و برخیزد تا آهسته‌آهسته به حقیقت پی‌ببرد. عالم انسانی عالمی نیست که در آن حقایق به رایگان عرضه شوند، چون اولاً ممکن نیست، چراکه فهم حقیقت به سلسله مقدماتی نیاز دارد که بدون آنها اصلاً حاصل نمی‌شود و مقدمات فهم حقیقت را آزمون و خطاهای مکرر و فراز و نشیبهای زندگی فراهم می‌آورند، ثانیاً مطلوب هم نیست، چون قدرش دانسته نمی‌شود.

۵- تا الآن همهٔ این دیدگاهها در یک چیز مشترک بودند و آن اینکه کسی که مدارا می‌کرد، با مراتب مختلف، حقانیتی برای نحوهٔ زیست خود قائل بود و به انگیزه‌های مختلف برای نحوهٔ زیستهای ناحق مجال بروز و ظهور می‌داد، اما خاستگاه پنجم در اینجاست که شخص می گوید امکان دارد که نحوهٔ زیست بهتری از آنچه او اختیار کرده است وجود داشته باشد و برای اینکه بداند که کدام نحوهٔ زیست بهتر است اجازه می‌دهد نحوهٔ زیستهای دیگر هم وجود داشته باشند. در اینجا فرد خودش را می‌آزماید و در معرض نحوهٔ زیستهای دیگر قرار می‌دهد تا مبادا وقتی بفهمد که نحوهٔ زیست او بهترین نحوهٔ زیست نبوده است که دیگر دیر شده باشد.

۶- خاستگاه ششم که برخاسته از نوعی طنز منفی یا نوعی سیاه‌بینی و می‌توان گفت نوعی نیهیلیسم نسبت به زندگی است در این عقیده نهفته است که اصلاً بشر آن قدر و قیمت را ندارد که بخواهد به طرز فکر و مرام و مشرب خود بچسبد؛ مگر نحوهٔ زیست خودش چه ارزشی دارد، نحوهٔ زیست دیگران هم چه ارزشی دارد که بخواهد مانع آنها شود. این خاستگاه، برخلاف خاستگاههای دیگر که برای زیست اهمیت قائل بودند و بر اساس آن به میزان و انگیزه‌های مختلف مدارا نشان می‌دادند، اساساً اهمیتی برای زیست قائل نیست.به قول حافظ:

سودائیان عالم پندار را بگو
سرمایه کم کنید که سود و زیان یکی است

۷- خاستگاه هفتم دیدگاهی است که از آن به پلورالیسم تعبیر می‌کنند. این دیدگاه دیدگاهی معرفت‌شناختی است و واقعاً نه نسبی‌انگار است و نه به طریق اولی پوچ‌انگار. بنابراین دیدگاه، واقعاً ممکن است نحوهٔ زیستی بهتر از بقیه باشد و حقیقی هم باشد، اما، به یکی از دو روایتی که خواهم گفت، چاره‌ای جز این نیست که همهٔ نحوهٔ زیستها را تحمل کنیم؛ یکی به این روایت که جهان هستی ذاتاً چنان است که تحمل تفسیرهای متعدد را دارد و با بیش از یک تفسیر سازگار است؛ اگر طوری تفسیر کنید همه چیز به سود آن تفسیر تمام خواهد شد و اگر طور دیگری تفسیر کنید همه چیز به سود این تفسیر تمام خواهد شد. (اگر مناظرهٔ خیلی معروف میان سه فیلسوف در دههٔ هفتاد را دیده باشید، یعنی مناظرهٔ میان آنتونی فلو، هِر و بازیل میچل، که یکی خداگرا و دیگری نافی وجود خدا و سومی لاادری بود، می‌بینید که سخنان هر کس را که می‌خوانید انگار حق با اوست و هر چه هر کس دیگر به رخ می کشد را دیگری می‌تواند به سود خود تفسیر کند)

جهان واقعاً یک آزمون‌پذیری قاطع ندارد که خود را عریان نشان دهد؛ بگذریم از اینکه این روایت آنقدر گسترش یافت که کسی مثل موریس کتابی نوشت با عنوان فراسوی تناقض در رد محال بودن ارتفاع و اجتماع نقیضین (به فارسی هم ترجمه شد)، همچنین کلاین، ریاضیدان آمریکایی، کتابی نوشت با عنوان Uncertainty of Mathematics و، علی‌رغم همهٔ ادعاهایی که می گویند فقط در ریاضیات قطعیت وجود دارد، در این کتاب مفصل ادعا کرد که در ریاضیات هم قطعیت وجود ندارد.

روایت دوم پلورالیسم به این نتیجه می‌رسد که در عالم ابهام ذاتی وجود ندارد که قابل تفسیرهای متعدد باشد، بلکه یک تفسیر بیشتر برنمی‌دارد، ولی هر جزء این تفسیر نزد کسی است، بنابراین چاره‌ای جز نوعی تشریک مساعی نیست. به تعبیر دیگر، جهان‌نگری‌ای هست که چه‌بسا یگانه نگرش مطابق با واقع باشد، اما این جهان‌نگری نزد یک نفر نیست و مثل آینهٔ منکسری است که هر تکه‌اش نزد کسی هست و اگر به همه مجال بروز و ظهور دهیم روزی به کل آن خواهیم رسید؛ ممکن است نکته‌ای را کسی درست فهمیده باشد و نکتهٔ دیگری را شخص دوم و نکتهٔ دیگر را شخص ثالث و اگر مانع دیدگاههای دیگر شویم از یکی از اینها محروم خواهیم شد و دچار ترجیح بلامرجح می‌شویم.

۸- خاستگاه هشتم سرشت و سرنوشت مشترک انسانهاست که آنها را به مدارا می‌خواند. این سرشت و سرنوشت مشترک به سه صورت تصویر شده است: یکی اینکه انسانها از این لحاظ مشترک‌اند که همه به یکسان در معرض خطا و صواب‌اند و بنابراین هیچ کس بر دیگری ترجیح ندارد. یعنی ساختار ذهنی انسان چنان است که هم مستعد این است که خطا نکند و مستعد این است که خطا کند.پس چون چنین است، حقانیت و بطلان افکار همه به یک اندازه است. بنابر این دیدگاه، اولاً عقل امری کاملاً فطری است و نه اکتسابی و در آغاز به همه به یکسان داده شده است (این سخن به نظرم قابل دفاع نیست، اما به هر حال کسانی به آن معتقدند)، بنابراین، گویی جبری ذهنی بر اذهان انسانها حاکم است. ثانیاً جبر وجودی نیز بر انسانها حاکم است، چراکه بر اساس آن همه در نحوهٔ زیستشان به‌یکسان مجبورند و سناریست عالم به هر کس نقشی را داده است و به همین دلیل باید نحوهٔ زیستهای گوناگون را تحمل کرد. ثالثاً جبر موقعیت نیز بر انسان حاکم است، چرا که، بر اساس این دیدگاه، سرشت و سرنوشت همهٔ انسانها به این لحاظ نیز مشترک است که هر کس در صحنهٔ زندگی با قسمتی از زندگی مواجه شده است و نحوهٔ زیست متناسب با آن یافته است، مثل پازلی که هرکس را در قطعه‌ای محدود کرده باشند و هرکس کل پازل را بزرگ‌شدهٔ قطعهٔ خود بداند.

۹- نهمین خاستگاه مدارا در این اعتقاد است که انسان تا وقتی با دو نحوهٔ زیست متفاوت «از نظر اخلاقی» مواجه نباشد نباید احساسات و عواطف و هیجانات متفاوتی نسبت به آنها نشان دهد. مثلاً وقتی از سویی با نحوهٔ زیست کسی مثل مادر ترزا روبه‌روست که اخلاقی زندگی می کند و از سوی دیگر با نحوهٔ زیست کسی مثل استالین که ضداخلاقی زندگی می کند، در اینجا انسان حق دارد که احساسات و عواطف و هیجانات متفاوت داشته باشد و نحوهٔ زیست یکی را بپسندد و سعی کند تا آنجا که می‌تواند آن را در نحوهٔ زیست خود غالب کند و نحوهٔ زیست دیگری را ناپسند دارد و تا آنجا که می‌تواند اجازه ندهد که بر نحوهٔ زیست خودش غالب شود؛ چون این نحوه‌های زیست «به لحاظ اخلاقی» ذی‌ربط‌اند. در اینجا مدارا فضیلت شکیبایی با هر نحوهٔ زیست مگر نحوهٔ زیست اخلاق‌ستیزانه است.

(مصطفی ملکیان، روانشناسی اخلاق، جلسه ۵۳، مؤسسه پرسش)

چالش های پیش روی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس

تنگناهای زیرساختی و عدم توسعه صنایع پایین دستی

امیرحسین تاجدینی

سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، یکی از شرکت‌های فرعی شرکت ملی نفت ایران است که به نمایندگی از این شرکت وظیفه اداره و راهبری منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس را برعهده دارد و در ۱۸ مهرماه سال ۱۳۷۷ تأسیس شده است.

ساخت و ایجاد زیرساخت‌های عمومی همچون راه، راه‌آهن، بندر، فرودگاه، برق، آب و زیرساخت‌های ارتباطی جز وظایف و مأموریت‌های این سازمان است. این سازمان که نقشی همچون شهرداری را در منطقه ویژه برعهده دارد، افزون بر ستاد، سه زیرمجموعه پارس یک (عسلویه) با مساحتی افزون بر ۱۴هزار هکتار، پارس۲ (کنگان) با مساحتی در حدود ۱۶هزار هکتار و پارس سه (پارس شمالی) با مساحتی در حدود ۱۶هزار هکتار تحت مدیریت دارد.

سید پیروز موسوی از دی ماه سال ۸۹ تا دی ماه سال ۹۰ نیز مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس بود و پس از آن، مسعود نصوری جایگزین وی شد و موسوی هم به پایانه های نفتی ایران رفت و با حکم روز جمعه ۴ آبان ماه ۹۷ وی مجددا به منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس برگشته است.

امید می رود با حضور مجدد سید پیروز موسوی که تجربه مدیر عاملی منطقه ویژه اقتصادی و انرژی پارس را در سال ۸۹ دارد و همچنین گذشت نزدیک به ۶ ماه از حضور مجدد جناب موسوی و آشنایی قبلی ایشان با نقاط ضعف و قوت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی و این که انتظار می رود برنامه کاری و اهداف کوتاه مدت و میان مدت ایشان در دوره جدید مسئولیت در سازمان منطقه ویژه تاکنون باید مشخص شده باشد تحولی بزرگ در سازمان منطقه ویژه انرژی پارس شاهد باشیم و سازمان مانند سال های پیش به خود مشغول نشود.

در حوزه توسعه اقتصادی جذب سرمایه عملا سرمایه گذاری در صنایع پایین دستی بسیار ناچیز بوده و سرمایه گذاران کماکان با مشکلات عدیده ای از جمله سه بحث اصلی مربوط به کریدور تامین خوراک، برق و آب رو به رو هستند. در مبحث آب مشکلات کمبود و عدم سرویس دهی به سرمایه گذاران در صنایع پایین دستی حل نشده و در بحث برق نیز وضعیت به همین منوال است و با وجود اینکه نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی نفت و گاز در مدار تولید قرار دارد هنوز خطوط شبکه انتقال و توزیع برق تکمیل و به بهره برداری نرسیده که مهمترین مشکل صنایع پایین دستی نبود برق مورد نیاز در منطقه است با توجه به مطالب فوق و اینکه یکی از دلایل ایجاد منطقه ویژه ایجاد زیرساخت های لازم جهت صنایع پایین دستی بوده است که بیشترین سود و ایجاد اشتغال پایدار در بخش صنایع پایین دستی و کوچک می باشد و مانع از خام فروشی مواد اولیه می شود سرمایه گذاران نیز رغبت کمی جهت سرمایه گذاری در بخش صنایع پایین دستی و کوچک نشان داده اند.

در حوزه خدمات شهری در حوزه های آب، برق تنظیفات شهری و معماری و شهرسازی که وظیفه خدمات رسانی بهینه به سرمایه گذاران را دارد مشکلات بسیاری برای سرمایه گذاران وجود دارد مشکلات بحث زباله ها و ضایعات صنعتی و نبود سیستم مدیریت پسماند هنوز فکری نشده است و وضعیت مانند سابق ادامه دارد.

در پایان سخن، چند سؤال از آقای سید پیروز موسوی

۱- عوارض اخذ شده از پتروشیمی ها تا چه حد توانسته به بالا بردن سطح خدمات رسانی منطقه ویژه به شرکت ها و صنایع پتروشیمی مستقر در منطقه کمک کند؟

۲- چه اقدامات عملی برای حل مشکلات کریدور و آب و برق منطقه انجام و یا در دست انجام می باشد؟

۳- آیا تنها توان منطقه ویژه پارس آوردن یک تیم به لیگ برتر بوده که همان را هم نتواند حمایت کافی کند؟

۴- چه برنامه هایی برای تجدید سازمان و ساختار آن شرکت، جذب و به‌کارگیری نیروهای توانمند و ذیصلاح، در جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و شتاب بخشیدن به توسعه صحیح و حرفه‌ای منطقه انجام شده و یا در دست انجام می باشد؟

۵- در حوزه مسئولیت اجتماعی و توجه به توازن منطقه‌ای چه برنامه هایی انجام شده و یا در دست اقدام می باشد؟

سیراف خبر

فضای مجازی و فرهنگ توده‌ای

فرهاد قنبری

از منظر مکتب فرانکفورت "صنعت فرهنگ" تولیدکننده چیزی است که به "فرهنگ انبوه" یا "فرهنگ توده‌ای" مشهور است. این فرهنگ پدیده‌ای عینی و واقعی نیست، بلکه فرهنگی است کاذب، نادرست، مادی شده و غیر طبیعی. فرهنگ کالایی و فرهنگ عامه پسند یا مصرفی که عمدتاً توسط ساز و کارهای بازار شکل می گیرند، صرفاً تقلیدی مضحک از دنیای پیرامونی نمودها و ظواهر هستند. کالاهایی با استاندارد بالای "صنعت فرهنگ" هر گونه امکان تفکر را از مخاطب سلب می کند. فرهنگ "عامه پسند" تولید شده توسط صنعت فرهنگ، اساسا فاقد هر گونه دید انتقادی است، چرا که فرآورده‌های فرهنگی را در نهایت به کالایی برای فروش و سوددهی تبدیل می کند. پروژه وسیع و فراگیر رسانه‌های جمعی درصدد اشاعه، نهادیه ساختن و تثبیت نیازهای کاذب و آگاهی کاذب در سطحی بسیار گسترده و در تمامی سطوح جامعه است و فقط به تنها چیزی که می اندیشد جذب مخاطب بیشتر و کسب سود بیشتر (از طریق تبلیغات) است.

محصولات تولید شده صنعت فرهنگ در یک چیز مشترکند و آن اینکه از توده‌ها فکر کردن نمی‌خواهند یا بهتر بگوییم به گونه‌ای ساخته می‌شوند که قدرت تفکر را از مخاطبان و مصرف کننده‌هایشان سلب کنند.

به انبوه بی شمار کانال‌های تلگرامی یا صفحات پر طرفدار اینستاگرام بنگریم...

اکثریت این کانال‌ها و صفحات از چنین منطقی تبعیت می کنند و بیشتر از آنکه سعی در ارائه مطالب انتقادی یا کارآمد باشند به دنبال سرگرم کردن مخاطب با جملات بی سروته و یا ایجاد فضای لودگی بیشترند.

اغلب این صفحات از اتفاقات روزمره و خبرهای مهم جامعه تصویری کمک ارائه کرده و با نگاهی هجوآلود سعی می‌کنند از هر موقعیت اجتماعی فضایی برای تمسخر و لودگی ایجاد نمایند.

از چهره های سیاسی، ورزشی و سینمایی گرفته تا تصاویری از روستاییان، مطرودان اجتماعی و عقب ماندگان ذهنی همه و همه را به خدمت می گیرند تا برای ایجاد فضای مد نظر خود به کار گیرند.

بخش دیگر مطالب برخی از این صفحات، توهین و تمسخر جنسیتی و ارائه تصاویری اروتیک است که با استقبال فراوانی هم رو به رو می شود.

در این بین کانال ها و صفحاتی هم هستند که با استفاده از نام های هنری، فلسفی و ادبی سعی می کنند با ساده نویسی و کوتاه نویسی مخاطبان خود را راضی نگه دارند. در این میان هم بسیار مشاهده می شود که اغلب دلنوشته های خود را به صورت جملات کوتاهی از بزرگان فلسفی و هنری مانند احمد شاملو، نیما یوشیج، سهراب سپهری، نیچه، میشل فوکو و...به اشتراک می گذارند.

در کل می توان گفت همه این صفحات پر تکرار در یک خصوصیت مشترکند و آن اینکه از تامل و فکر کردن بر روی مطالب ارائه شده خود پرهیز می کنند.

وانت بار تلفنی ساحل
۳۳۵۵۹۱۲۷
۳۳۵۵۷۳۶۷
۰۹۱۷۵۲۹۹۷۸۰

آگهی تغییرات

شرکت نیک آتیه نگار ویرا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۲۷۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۸۳۳۵۴۲ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- نام شرکت به "شبکه پارس نوین ویرا" تغییر یافت در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بوشهر (۴۴۱۷۱۵)

ماجراهای آقای ویلی (۱)

سفره هفت سین برای آقای ویلی

محمدرضا دباش



دوره دانش آموزی به خاطر این که به زبان انگلیسی علاقه مند بودم، هر وقت یک خارجی می دیدم به طرفش می رفتم و سعی می کردم با او انگلیسی صحبت کنم.

قبل از انقلاب با آقای ویلی که آمریکایی بود تصادفا آشنا شدم، او دنبال خانه ای اجاره ای می گشت، من و دوستانم سعی کردیم به او کمک کنیم. او از رفتار ما خوشش آمد و این باعث شد که با او رفت و آمدی داشته باشیم.

ایشان به فرهنگ ایران و ایرانی احترام خاصی قائل بود و می گفت من احساس غریبی در شهر شما نمی کنم. من هم به خاطر این که معلم زبان بودم، دوست داشتم با او در ارتباط باشم. سعی می کردم هر طور شده خوی و خلق ایرانیان به وی نشان دهم.

بعد از مدتی برایم معلوم شد که او مقداری زبان فارسی می داند. من خیلی خوشحال شدم و خوشحال تر از این که در حضور او با دوستان فارسی صحبت می کردیم، هیچگونه حرف زشت یا ناسزایی درباره وی نگفتیم، هیچوقت از وی بدگویی نکردیم. او متوجه شده بود که ما با او رفتار دوستانه و صمیمانه داریم.

یک روز که در چهار راه دادگستری بوشهر با او بودم، رو کرد به من و گفت: مِستر دباش، یک روز نفت مملکت شما تمام می شود، سعی کنید از جوانان کشورتان به ویژه محصلین خوب مواظبت کنید، آنها را خوب تعلیم دهید، طوری آنها را تربیت کنید که در آینده خدمت گزار کشورتان باشند. اگر این جوانان خوب آموزش ببینند، هر یک از آنها یک چاه نفت است. او ادامه داد: خیلی از کشورهای جهان مانند ژاپن و هند نفت ندارند اما جوانان تحصیل کرده آنها وارد عرصه کار شده اند و خودشان کشورشان را اداره می کنند. شما هم سعی کنید که شبیه ما خارجی‌ها نیاز داشته باشید.

یک روز که به مدرسه می رفتم درب خانه آنها را زدم، او به من جمله زیبایی گفت. او می دانست که کلاس روزانه من تمام شده و من می خواستم به کلاس شبانه بروم. جمله زیبایی او این بود: شما جوان هستید، انرژی دارید، سعی کنید همیشه به کارتان علاقه مند باشید، از آموزش خسته نشوید و در کارتان صادق باشید.

Do try to help your student

من هم از او تشکر کردم. سپس از او سوالی کردم، سوال من این بود: مستر ویلی شما امروز چکار کرده اید؟ او در جواب گفت: من امروز یک هلیکوپتر که می خواستند برای تعمیر به آلمان ببرند و همکاران من که نمی توانستند آن را تعمیر کنند، به عهده من گذاشتند. من در عرض چند دقیقه عیب این هلیکوپتر را پیدا کردم و گفتم: no problem!

دیگر نیاز نیست آن را به آلمان ببرید. من در حالی که خیلی خوشحال شده بودم گفتم: آقای ویلی مگر شما چکار کردید؟ گفت: یک عدد میخ در پروانه هلیکوپتر بود. من آن را پیدا کردم و مشکل برطرف شد.

شب عید سال ۵۶، ۵۷ بود که آقای ویلی با همسر مهربانش به گدا منزل ما تشریف آوردند.

سفره هفت سین روی میز گسترده بود و ما ۴ نفر دور آن نشسته بودیم. سفره هفت سین برای آقای ویلی خیلی جالب بود و از این سنت خوب ایرانیان لذت می برد. گوشم کر و زبانم لال، از تلویزیون برنامه موسیقی پخش می شد. او از من خواست آن ترانه ها را برایش ترجمه کنم. هر جمله ای که می شنید لذت می برد و ساکت می ماند تا به خوبی مفهوم آن ترانه ها را بداند. همسرش هم همین کار می کرد و با وجود این که ویتنامی بود زبان انگلیسی خوب می دانست. از شما چه پنهان، من هم در حضور عیال و آن زوج، بسیار جوگیر شده بودم. پشت سر هم ترجمه و تفسیر می کردم. عجب شبی بود، شاید از شب های کارون عزیز هم برایم دلپذیرتر بود زیرا زبان فارسی ما، زبان کارون نشین های ما هم هست. آقای ویلی و همسرش آجیل، میوه و شیرینی ایرانی میل می کردند ولی از شیرینی هویت ملی ما یعنی زبان فارسی بیشتر لذت می بردند. او متوجه شد و نشان داد که چقدر زبان ما گسترده، عمیق و پرمعناست! چقدر برای بنده شیرین تر بود که زبانم را با زبان بیگانه به بیگانگان انتقال دهم تا با زبان من بیگانه نباشند. امیدوارم هر کس می تواند این کار را که از وظایف ملی ماست انجام دهد.

شب تا صبح در آن محیط ساده و بی آلایش، سپری کردیم، هوا روشن شده بود، هنگام خداحافظی، آقای ویلی چشمش به تلفن سبز رنگ خانه افتاد، گوشی برداشت و بدون این که شماره ای بگیرد در گوشی به فارسی گفت: حال شما چطور است؟ شاید می خواست شادی خود را که از ترانه های زبان فارسی گرفته بود، به مردم صاحب آن زبان انتقال دهد.

صدای ماشین ژیان سبز رنگ و غراضه اش در کوچه های سنگی شهر من طنین انداز بود و خاطره زیبای آن شب با خودش برد. ادامه دارد...

مصاحبه نسیم جنوب با پرفسور احمد دالکی پدر علم نجوم آماتوری ایران:

به این آسمان تا مجانی است نگاه کنید

از نظر علم نجوم در دنیا جایگاهی نداریم!

محسن قیصی زاده: پرفسور احمد دالکی، مردی به غایت مهربان، دوست‌داشتنی، متواضع و بی‌ادعا. یکی از شاخص‌ترین و ماندگارترین چهره‌های ستاره‌شناسی ایران که خدمات ارزشمندی در راستای پیشرفت علم ستاره‌شناسی کشور از خود به یادگار گذاشته است. آقای پرفسور احمد دالکی متولد ۱۳۱۵ اولین درجه مهندسی خود را به سال ۱۳۳۷ از دانشگاه شیراز اخذ نمود، سپس دو دوره مهندسی، یکی در نقشه‌برداری هوایی و دیگری تفسیر عکس‌های هوایی را در انستیتوی هوافضای دلفت هلند(ITC) گذرانده (۱۳۴۷، ۱۳۴۳) و سپس دوره‌ی سنجش از راه دور و استفاده از تصاویر ماهواره‌ای را به سال ۱۳۵۵ در آمریکا دیده است. از قلم ایشان تاکنون ۲۲ کتاب به صورت تألیف یا ترجمه در زمینه رشته‌ی تخصصی خود و علم نجوم منتشر شده است. همچنین بازدیدهای متعدد از مراکز علمی و معتبر جهان در حوزه ستاره‌شناسی و فضا یکی از بارزترین و شاید منحصربفردترین فعالیت‌های نامبرده بوده که از تجربیات حاصل از آنها در ساخت و راه‌اندازی بعضی مراکز مشابه در ایران استفاده گردیده است. در ادامه گفت‌وگوی نسیم جنوب با این استاد برجسته‌ی علم نجوم را از نظر می‌گذرانید.

– همه‌چیز از یک مهاجرت شروع شد؛ مهاجرت پدر. لطفاً راجع به این مهاجرت و اصالت استان بوشهری بودن خودتان توضیح بفرمایید؟

* پدر من اهل دالکی بود و ابتدای عمر و جوانی را در دالکی گذراند. بعد مصمم می‌شود که درس بخواند و به شیراز مهاجرت کند. باید برگردیم به بیش از یک قرن پیش که بین بوشهر و شیراز جاده‌ای هم نبوده جز یک راه خاکی پیچ در پیچ و ناهموار که ماشینی هم البته آن موقع نبوده که از این جاده عبور کند جز ماشین‌های شرکت نفت که حامل نفت و مواد سوختی بودند. بنابراین می‌شود این را برآورد کرد که بیشتر راه را پیاده و یا همراه با قافله و افراد دیگر طی کردند و به شیراز آمدند. شیراز آن موقع یعنی یک قرن پیش، چیزی به عنوان دانشگاهی که الان می‌شناسیم نداشته، ولی یک مدرسه‌ی علمیه داشته است به نام مدرسه‌ی «خان» که این هم از یادگارهای زمان شاه عباس بوده و حدود ۴۰۰ سال قدمت داشته و دروس دینی درس می‌دادند، بنابراین در این مدرسه ثبت‌نام می‌کند و مشغول تحصیل می‌شود.

– مهاجرت با هدف تحصیل؟

* بله، هدف از مهاجرت درس خواندن بوده است که به هر حال مقیم شیراز می‌شود و دوره‌های این مدرسه را طی می‌کند، البته این را باید یادآوری کنم پدر من به لباس روحانیت ملبّس نمی‌شود و تا آخر عمرش همان لباس تجار مردم جنوب را بر تن داشته است. پدر هر سال به دالکی می‌رفته و از آن‌جا که در دالکی باغ داشتند، مرتب به زادگاه خود سر می زدند و موقع به اصطلاح خودمانی پابیل کردن، شخم زدن و یا بو دادن و گردافشانی و... ایشان در باغ خانوادگی حضور داشتند و دوشادوش خانواده کار می‌کردند. تا این‌که بهار سال ۱۳۳۶ فرا می‌رسد و ایشان برای رفتن به حج، ابتدا به دالکی می‌روند که با هم‌ولایتی‌ها الوداع بکنند. از آن‌جا که در فصل بهار رودخانه دالکی طغیان داشت و باغ پدر آن طرف رودخانه بوده است و خود دالکی طرف دیگری، باید از عرض رودخانه می‌گذشتند. در آن زمان پل هم نبوده و همه باید به آب می‌زدند و به سوی دیگر می‌رفتند کما این‌که خود من بارها رفته و به آب زده بودم. به هر حال این بنده خدا در این آب مغرور، خروشان و مواج غرق می‌شود! شاید سنی بین ۶۵ تا ۷۰ داشته است و بعد از چند روز جسدش را پیدا می‌کنند و در خود دالکی در مسجد عرب در حاشیه دیوار آن مسجد ایشان را دفن می‌کنند. بنابراین مقبره‌ی پدر من همان دالکی است.

– یادش مانا و روانش شاد. حال کمی از خودتان بگویید.

* من متولد ۱۳۱۵ هستم، در شیراز متولد شدم و دوره‌ی دبستان و دبیرستان را در شیراز گذراندم؛ دبستانِ رازی و دبیرستانِ سلطانی. در دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه شیراز درس خواندم. سال ۱۳۳۷ در سازمان جنگل‌ها و مراتع برای قسمت مهندسی و نقشه‌برداری هوایی در تهران استخدام شدم و از آن موقع تا حالا تهران هستم، البته یک مدت کوتاه یعنی چند ماهی خارج از تهران در جنگل‌های مازندران و زیرآب دهکده‌ای به نام لاجیم خدمت کردم و کار من آن‌موقع این بود که با متخصصین خارجی عموماً آمریکایی کارهای نقشه‌برداری هوایی انجام می‌دادیم، زیرا در سال ۱۳۳۸ قانونی بود که افراد تازه‌استخدام نباید در تهران بمانند، بنابراین چون تازه استخدام شده بودم، من را به جنگل‌های زیرآب مازندران فرستاده بودند. لیکن از آن‌جا که ما برای خودمان تحصیل کرده بودیم و زبان انگلیسی می‌دانستیم، خارجی‌ها گلایه کرده بودند که آقای دالکی و یک نفر دیگر که انگلیسی می‌دانند، این‌ها را فرستادید خارج از تهران و ما این‌جا کسی را نداریم که کمک بکند. نتیجه این‌که در سال ۱۳۳۸ به من یک حکم می‌دهند که من از زیرآب مازندران به صورت موقت به تهران منتقل شوم. البته بعدها کار جنگل‌بانی و مهندسی نقشه‌برداری هوایی از جنگل‌ها را ادامه دادیم و من جزو گروهی بودم که برای اولین‌بار از جنگل‌های شمال نقشه‌برداری هوایی انجام دادیم و تازه فهمیدیم در جنگل‌های گیلان و مازندران چه درخت‌هایی داریم، مثلاً چقدر درخت راش، درخت چنار، بلوط و... داریم. به این صورت که هواپیما از جنگل‌ها عکس می‌گرفت و این عکس‌ها را به ما می‌دادند و ما این عکس‌ها را تفسیر می‌کردیم، بر اساس تفسیر عکس‌های هوایی و همچنین کارهای زمینی و یک مقدار هم بررسی می‌کردیم که آن‌چه روی عکس تشخیص دادیم روی زمین هم همین است و یا نیست، بعد میزان دقت کار خود را می‌سنجیدیم و این کار تا اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ ادامه پیدا کرد. سپس من برای مدت کوتاهی به سازمان شکاربانی و نظارت بر صید منتقل شدم و بلافاصله اسم آن هم عوض شد و شد سازمان حفاظت محیط زیست. آن‌جا هم ۵ و ۶ سال خدمت کردم و مجدداً قبل از انقلاب به سازمان جنگل‌ها و مراتع برگشتم و با سمت مدیرکل جنگل‌ها و مراتع کشور و قائم‌مقام معاون وزیر کشاورزی در امور جنگل مشغول به خدمت شدم. بعد هم که انقلاب شد در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شدم. البته از ادارات یک هیأتی را بازنشسته کردند و بعد گفتند چند نفر اشتباه شده است و به من پیشنهاد کردند که برگردم که من برنگشتم و کارهای دیگری که عشق و علاقه‌ام بود را دنبال کردم، به خصوص ستاره‌شناسی.

– راجع به سفرهایی که با پدر به دالکی و موطن اصلی داشتید، چه حس و خاطره‌ای بر جا مانده و چند بار در این سفرها همراه پدر بودید؟

* تعداد سفرهایی که با پدر داشتم محدود است؛ خیلی جوان بودم و دبیرستان می‌رفتم. آن موقع کم‌کم این جاده‌ای که بین شیراز و بوشهر هست شکل می گرفت و تانکرها و کامیون‌ها رفت و آمد داشتند. مثلاً باید ساعت‌ها در ابتدای جاده شیراز–بوشهر می‌ایستادیم تا تانکر یا کامیون خالی بیاید که جای یک یا دو نفر را داشته باشد و من و پدر هم عازم آن‌جا می‌شدیم. پدر به اتفاق برادرشان که به اصطلاح عموی من می‌شدند خانه‌ای داشتند و به آن‌جا می‌رفتیم و آن‌موقع هم نه پنکه‌ای بود و نه امکانات خنک کننده، بنابراین حوضی بود که دورش را با شاخه‌های نخل پوشانده بودند که اسمش را یادم نمی‌آید و خوابیدن آن‌جا و در پشت‌بام در فصل گرم تابستان. اصلاً از بچگی در شیراز هم که بودیم ما در حیاط می‌خوابیدیم و آثار ستاره‌شناسی و علاقه به آسمان از همان‌جا در من ظاهر شد.

– چه موقع نگاه‌تان به آسمان از یک نگاه ساده و خیره فراتر رفت و با دقت بیشتری به بالای سر خود نگاه کردید؟

* همان دوران بچگی، بین ۱۰ تا ۲۰ سالگی در من این کنجکاوی ایجاد شده بود که این ستاره‌ها از کجا آمدند و کجا می‌خواهند بروند، هدف چیست و یا آن نورهایی که برای لحظه‌ای در آسمان می‌بینیم و به صورت یک خط در آسمان نمایش داده می‌شود، چیست. کسی هم نبود که پاسخ بدهد، بنابراین در ذهن من بود که به دنبال این کار بروم. همچنین دو حرفه‌ی من، یکی نقشه‌برداری جنگل و یکی شکاربانی، در هر دو ارتباط خیلی قوی بین محیط و صحرا و بیابان وجود دارد، بنابراین شغل من هم این فرصت را به من داد که بیشتر شب‌هایی که برای مأموریت می‌روم و کارهای نقشه‌برداری را در روز انجام می‌دهم، شب‌ها به آسمان نگاه کنم و نگاه کردن به آسمان همانا و علاقه‌مند شدن همانا. به اصطلاح فرنگی‌ها که می گویند هابی! هابی یعنی آن چیزی که انسان علاقه‌مند می‌شود و به دنبال آن می‌رود و به معنی پول درآوردن نیست و هابی صرفاً عشق و علاقه است. بنابراین من متمایل شدم به این ستاره‌شناسی و کتاب‌هایی را مطالعه کردم. البته آن‌موقع که من شروع کردم به خواندن کتاب در دهه‌ی ۴۰ خیلی کتاب به زبان فارسی کم بود و بنابراین با آن کمبود کتاب، آن‌چه که دستم رسید مطالعه کردم. تا این‌که اواخر دهه ۱۳۵۰ و اوایل دهه ۱۳۶۰ خدا این توفیق را به من داد که یک تلسکوپ خوب از ایران بخرم.

– داستان خرید آن تلسکوپ را برایمان شرح دهید.

* یک تلسکوپ را نمایندگی شرکتی خارجی به ایران آورده بود و جمع و جور کردن و برگرداندن آن خیلی سخت بود و زمانی که به نمایندگی برای بازدید رفته بودم با مسؤول آن صحبت کردیم و گفت من دیگر نمی‌توانم آن را ببرم چون اندازه آن بزرگ و پایه آن خیلی سنگین است و به تنهایی ۶۰ یا ۷۰ کیلوگرم است. بعد توضیحاتی راجع به آن داد و خلاصه ۳ هزار دلار روی آن قیمت گذاشتند که من فرصت را غنیمت شمرده و آن را خریدم. این تلسکوپ هنوز هم هست و مسافرت‌های دو سه هزار کیلومتری آن را برده‌ام و به اصطلاح آخ نگفته و هنوز هم در اتاق کارم آن را در گوشه‌ای نگه داشته‌ام. پایه‌هایش هم پشت‌بام است و هر خانه‌ای که نقل مکان کرده‌ام، این پایه‌های سنگین روی پشت‌بام آن خانه قرار گرفته و مثل رصدخانه‌ی من بوده است. چه بسا خیلی از جوانان امروز که در کار ستاره‌شناسی هستند، شاید اولین باری که تلسکوپ دیدند و به آسمان نگاه کردند از درون همین تلسکوپ بوده است.

– تا به امروز چه دستگاه‌های دیگری به آن اضافه شده است؟

* عرض کنم خانه‌ی ما طوری است که من یک چیزی دارم به نام آسمان‌نما که مجموعه‌ای است از نقوشی که در آسمان یا به وسیله‌ی پروژکتور و یا نقاشی یا فرم‌های دیگر می‌سازیم که آسمان را نشان بدهیم و در آن می‌توان تشخیص داد صورت‌های فلکی کجا قرار دارند و چه ارتباطی با حواشی خود دارند و... . ورودی خانه ما طوری است که یک گنبدمانند کوچکی است که من درون این گنبد، مجموعه‌ای از این ستارگان و تمام نقوش آسمان نیمکره‌ی شمالی از ۳۰ درجه بالاتر از سماوی که روی یک چتری بوده را نصب کردیم که پشت آن هم چراغ روشن است. این چتر را هم هنگامی که از یک کارخانه سازنده ابزار نقشه‌برداری نجوم چین دیدار کردم به من دادند. البته گنجینه‌ای از آن‌چه که مربوط به آسمان و فضا هست را در اختیار دارم، مثلاً داشتن ماکت یک ماه‌پیمایی که مربوط به روسیه بوده و یا کُرات مختلف، مثلاً یک کُره جغرافیایی دارم که اگر روز به آن نگاه کنیم کره زمین است و کشورها، مرزها و رنگ‌های مختلف دارد و بلافاصله که شب می‌شود و نور نباشد، این محو می‌شود و به جای آن نیمکره‌ی شمالی و جنوبی و صورت‌های فلکی می‌آید و از این ابزار بسیار است. خلاصه این‌که دوستانی که می‌آیند از همان اول حس می‌کنند به خانه‌ی کسی می‌آیند که با آسمان ارتباطاتی دارد.

– من دقت می‌کنم می‌بینم در جوراب یا دستمال‌گردن شما شکل صُوَر فلکی و سیارات نقش بسته است؟

* بله درست است، من هرگاه مسافرت‌هایی که به خارج از ایران می‌روم و فرصتی پیش می‌آید لباسی بخرم، از این نقوشی که بر روی پیراهن و جوراب و چیزهای دیگر می‌اندازند، خیلی دوست دارم و به آن افرادی که این تفکرات را دارند و آن جوانانی که این‌ها را درست می‌کنند، دلم می‌خواهد کمک کنم. جوراب من را هم که ملاحظه می‌کنید یک منظومه شمسی کامل است و خورشید در بالا و سیارات هم به نوبت پشت آن عطارد و زهره و زمین و مریخ و مشتری و زحل است تا به کف جوراب می رسیم.

– پدر علم نجوم آماتوری ایران! این لقب و عنوان دقیقاً از کی مطرح شد و به واسطه‌ی چه اقداماتی به نام جناب‌عالی ثبت شد؟

* من به لحاظ این دلبستگی و علاقه‌ای که به نجوم داشتم و صمیمانه به دنبال آن رفتم و مشکلاتی از جمله کمبود کتاب و امکانات و... که خودم در جوانی داشتم، سعی‌ام این بوده است که برای جوانان علاقه‌مند کاری بکنم که مشکلات‌شان کمتر شود. نه این که مشکلات را از بین ببرم، ولی مشکلات کمتر شود. بنابراین از خیلی قبل شروع کردم به نوشتن کتاب و الان که در خدمت شما هستم، بیش از ۲۲ کتاب فارسی نوشته‌ام که بخش عمده‌ی آن راجع به نجوم و ستاره‌شناسی است. از قبل از انقلاب در برنامه‌ی تلویزیونی «دانش» شرکت می کردم و راجع به فضا و نجوم می گفتم. در دهه ۱۳۶۰ یک برنامه‌ی نجومی مفصل خیلی طولانی داشتم به نام «گوناگون»، البته صرفاً نجومی نبود و مطالب متنوع و گوناگونی را در بر می‌گرفت، ولی به شرطی حضور در آن را پذیرفتم که حتماً یک بخش آن راجع به نجوم باشد. این برنامه در دهه ۱۳۶۰ عصرهای جمعه پخش می‌شد و خیلی هم طرفدار داشت. در دهه ۱۳۷۰ برنامه تلویزیونی «آسمان شب» را درست کردم که اولین برنامه تلویزیونی بود و بعدها هم افراد دیگری آمدند و مقداری ادامه دادند. نوشتن کتاب و علاقه‌مند کردن جوانان یکی از اهداف من بوده و هست که جوانان را علاقه‌مند کنیم که اوقات فراغت خود را به بطالت نگذرانند. مثلاً رصدخانه‌ی زعفرانیه مدت‌ها بود ساخته شده بود و مشکل در نمایش و راه‌اندازی آن داشتند، من با کمال میل رفتم و این را راه‌اندازی کردیم و دو سال هم مدیر آن‌جا بودم. یا آسمان‌نمایی مربوط به نیروی سازمان جغرافیایی ارتش بود که آن را هم می‌خواستند بسازند و هنوز دودل بودند که بسازند و یا نسازند و چه طوری بسازند. آن هم به من پیشنهاد کردند در کنار مرحوم دکتر گنجی پدر علم جغرافیا، من رفتم و این اطمینان را به آنها دادم که این را درست کنید و گفتم مطمئن باشید برای دیدن آن صف می‌بندند و حتی در نوبت می‌ایستند. چون در تهران آسمان‌نمای در خور توجهی نداشتیم، بنابراین کمک کردیم و ساختیم و هنوز هم صحبت‌های من روی آن است. مرکز علوم و ستاره‌شناسی در نیاوران تهران را نیز من بنیاد گذاشتم. آن موقع کسی از چیستی مرکز علوم اطلاعی نداشت و من این را در خارج از ایران دیده بودم و این را هم من بنیاد گذاشتم، به این ترتیب که نامه‌ای به شهرداری تهران نوشتم و ذکر کردم که من دلم می‌خواهد برای مردم یک رصدخانه بسازم به شرطی که زمینی در اختیارم بگذارید، و بالاخره پس از پیگیری‌های بسیار زیاد و وقفه‌ی چند ساله مرکز علوم و ستاره‌شناسی را ساختم و این‌ها از جمله کارهایی بوده که من انجام دادم. بنابراین دوستان، جوانان و آنهایی که با ستاره‌شناسی آشنا هستند پیش خود فکر کردند که برای کارهای آماتوری - یعنی کارهای غیرحرفه‌ای – این عنوان را به بنده اعطا کنند. البته دو جور ستاره‌شناسی داریم؛ یک نوع آن حرفه‌ای است که به دانشگاه می‌روند، واحد برمی‌دارند و دوره‌ی ارشد و یا دکتری و بعد کارمند دولت می‌شوند و در رصدخانه‌های دولتی کار می‌کنند، ولی آماتوری یعنی کسی که روی عشق و علاقه خود کار می‌کند و نیازی نیست که به سر کلاس برود و نمره بگیرد و از روی ذوق و اشتیاق خود مثلاً از روی عشق خود عکاسی بکند یا مطالعه‌ی ستاره‌شناسی و خیلی چیزهای دیگر، و این‌ها می‌شود آماتوری که بنده به دنبال این‌ها بودم و این کتاب‌ها و این کارها را که کردم دوستان این لقب را به من داده‌اند. البته یک شوخی بکنم، گاهی اوقات می‌پرسند چه طوری شد که شدی پدر نجوم؟! من هم پاسخ می‌دهم من کاری نکردم، بلکه گفتند سن و سالت زیاد است و به سن پدرها می‌خورد، بنابراین به بنده می گویند پدر علم نجوم آماتوری ایران!

– علم نجوم از زمانی که شما شروع به کار کردید تا به امروز چه تغییرات و پیشرفت‌هایی در ایران داشته است؟

* این قسمت از سؤال شما برای من حزن‌انگیز است، ما یک وقتی رصدخانه‌ی مراغه را داشتیم و چندین قرن پیش از آن خواجه‌ی عاقل و دانا زمان مغول‌ها آن را ساخت یک مجموعه‌ی علمی بسیار وزین و قابل اطمینانی بود که از کشورهای دیگر ستاره‌شناس به این‌جا می‌آوردند. آن رصدخانه در تپه‌ی خارج از مراغه بوده که چند قرن پیش آبادی بزرگی هم نبوده و خیلی تحقیقات می‌کردند و حتی ابزار می‌ساختند و فعالیت‌های بسیاری انجام می‌دادند. البته آن زمان تلسکوپ نبوده و تلسکوپ از ۴۰۰ سال پیش به این طرف به وجود آمده و ما راجع به ۶۰۰ یا ۷۰۰ سال پیش و یا شاید قبل از آن صحبت می‌کنیم که مقام خیلی بالایی داشتیم. ولی الان اگر منصفانه بسنجیم در کشورهای دنیا و پیشرفته ما از نظر علوم و نجوم‌شناسی خیلی جایگاهی نداریم، برای این‌که رصدخانه‌های بزرگ و قابل توجهی نداریم. مثلاً قطر آینه‌ی رصدخانه‌های بزرگ دنیا تا ۱۰ متر من دیدم، به عنوان نمونه رصدخانه‌ی ژاپن در جزیره هاوایی آینه‌اش به تنهایی ۱۴ تُن است و خود بقیه آهن‌آلات را بخواهیم حساب کنیم چند تن می‌شود و در کشور خودش هم نتوانسته کار بگذارد و در کوه‌های هاوایی در وسط اقیانوس آن را آورده است. بزرگ‌ترین رصدخانه‌ها در ایران در دانشگاه شیراز، شاید زنجان، مشهد، اصفهان آینه‌های آنها بیشتر از ۶۰ یا ۷۰ سانتیمتر نیست و این بدرد امروز نمی‌خورد و کارایی ندارد و نمی‌توانیم کهکشان‌های دور و اجرام آسمانی دور را ببینیم، بنابراین جا دارد خیلی تلاش کنیم. البته این را هم بگویم و پوشیده نباشد متأسفانه اصولاً ۵۰ یا ۶۰ کشور اسلامی که هستیم تقریباً هیچ کدام رصدخانه‌ی بزرگ ندارند و جایگاهی در حال حاضر به عنوان علم نجومی که سابقه داریم در آن نداریم.

– از زمانی که شما شروع کردید، اگر بخواهیم مقایسه‌ی محدود چند دهه‌ای داشته باشیم، آن موقع چه چیزهایی داشتیم و الان چه چیزهایی داریم؟ در کل رو به پیشرفت هستیم یا نه؟

* متأسفانه از نظر کلی پیشرفت علم نجومی که قابل قیاس در سطح بین‌المللی باشد خیلی پیشرفت و ارتقا نداشته‌ایم، ولی نجوم آماتوری یعنی تیپ جوانانی که علاقه‌مند می‌شوند و هزینه می‌کنند، شاید قابل توجه باشد. البته اغلب کسانی که به ستاره‌شناسی علاقه‌مند می‌شوند آدم‌های پولداری نیستند و صرفاً عشق و علاقه به آسمان است. این را هم بگویم که اگر به سمت آسمان و زیبایی‌هایش برویم و در آفرینش و عظمت خداوندی که آن را آفریده غور کنیم، نه تنها ما آن را ول نمی‌کنیم، بلکه آن هم ما را رها نمی‌کند و این جذبه و جاذبه ما را به طرف خودش می‌کشد. البته از نظر ستاره‌شناس آماتوری کارها خوب است و خیلی از جوانان علاقه‌مند شدند و باز ملاحظه کنید که در این تاریخ که من با شما صحبت می‌کنم ما در رسانه‌ها و در تلویزیون و در رادیو چه برنامه‌ای برای نجوم و آسمان داریم؟ نداریم و خیلی کم است. همان برنامه‌ی «آسمان شب» که من داشتم، آن هم الان نیست. تنها مجله‌ی «نجوم» است که خوشبختانه چندین دهه است که آغاز شده است. خود من هم به اتفاق یک عده از دوستان و علاقه‌مندان مجله‌ای به اسم «آسمان شب» تهیه کردیم و به اصطلاح می‌خواستیم مدرن و پیشرفته باشد و این هم ۵ یا ۶ سال بیشتر دوام نیاورد و نمی‌گویم ورشکست شد، ولی نتوانستیم ادامه دهیم بنابراین مشکلات جدی وجود دارد. نجومی که برود به دنبال تحقیقات علمی و چیز تازه‌ای در آسمان پیدا بکند نیازمند به دو چیز اساسی است؛ یکی رصدخانه‌ی بزرگ امروزی و دوم افراد درس خوانده و تحصیل کرده در این رشته هستند. افرادی داریم که در رشته‌های نجوم و ستاره‌شناسی تحصیل کرده‌اند و همچنین افراد آماتور چندین هزار یا ده هزار تا داریم، ولی کمبود سخت‌افزار مشکل اصلی محسوب می‌شود.

– هزینه‌ی ساخت و تجهیز یک رصدخانه‌ی کاربردی و امروزی را چقدر برآورد می‌کنید؟

* یکی از رصدخانه‌هایی را که قیمت پرسیدم، رصدخانه‌ی ژاپن بود که در جزیره هاوایی است. ۵۰۰ میلیون دلار خرج کرده‌اند، ولی حساب کنید آن را وسط دریا و اقیانوس کار گذاشته‌اند؛ کشور ژاپن کجا و کوه‌های جزیره هاوایی کجا. خرید تلسکوپ اگر جزو آن چیزهایی که منع شده نباشد، هزینه‌ی بسیار می‌خواهد. البته آینه‌ای که قطر آن بیشتر از ۲ متر است، خریداری شده و گویا حالا مانده تا کی بتوانند اجزای آن را بسازند که کار مشکلی است. خوشبختانه تنها کاری که کرده‌اند جایگاه و محل رصدخانه را تعیین نموده‌اند. در تمام ایران نقاط کویری و نقاط آسمانی خوبی برای ستاره‌شناسی وجود دارد. چندین سال - شاید سه سال - عده‌ای از علما از کارشناسان و استادان خوب ما مکان‌هایی از سیستان و بلوچستان و کرمان و خراسان و... را بررسی کرده‌اند و در آخر مکانی بین کاشان و قم را پیدا کرده‌اند و این آماده شده است که بعد این را بسازند و سپس تلسکوپ را وارد کنند و با خدا است که چه زمانی انجام بشود.

– یک اشاراتی داشتید در مقایسه علم نجوم ایران و کشورهای پیشرو در این زمینه. اگر بخواهید این مبحث را بازتر کنید علم نجوم ایران در مقایسه با کشورهای پیشرو از چه جایگاهی برخوردار است؟

* این سؤال برای من تأسف‌برانگیز است که بخواهم پاسخ بدهم. در مجموع ابزار آن را نداریم و در شرایطی نیستیم که بشود روی آن حساب کرد. یادآوری کردم در ۵۰ یا ۶۰ کشور اسلامی هم رصدخانه عمده، نه شنیده و نه دیده‌ام که داشته

نسیم جنوب
مصاحبه
شماره ۸۸۷ یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

پاسخ به سؤال‌های نجومی در گفت‌وگو با احمد دالکی پدر نجوم آماتوری ایران:

هر کسی با ذوق و علاقه خودش می‌تواند روی ماه و ستاره‌ها و سیارات مطالعه کند

بعد از ۶۰ سال رصد آسمان حالا دیگر پدر نجوم آماتوری ایران لقب گرفته است. ستاره‌ها و سیارات از همان زمان که شب‌های تابستان را در حیاط خانه پدری‌اش می‌خوابید تا امروز که به ۸۲ سالگی رسیده، راهی بوده تا او در مسیر کشف رمز و راز آفرینش قرار گیرد. پروفسور «احمد دالکی» بنیان‌گذار مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران، مرد دنیادیده‌ای است که آسمان را از عجیب‌ترین و دورترین نقاط کره‌زمین رصد کرده؛ از خط استوا و کوه‌های کلیمانجارو تا آمریکا و مکزیک و حتی قطب‌شمال. او ۳۰ سال پیش ساختمانی در محله دزاشیب را که قبل از انقلاب خانه اسدالله علم بود و بعد از انقلاب مخروبه و جای خواب کارگران، به نخستین رصدخانه علمی و تخصصی ایران تبدیل کرد.

برای گفت‌وگو با او به این مرکز رفتم، ساختمانی چندطبقه که پروفسور طبقه به طبقه‌اش را با عشق و علاقه و سلیقه خودش طراحی کرده است. از آسمان‌نمایی که روی سقف سالن کنفرانس طراحی کرده تا ماکت آدم‌فضایی که برای آوردنش از آمریکا مجبور شد ۳ تا چمدان دست بگیرد تا آدم‌فضایی سالم به مقصد برسد. پدر نجوم آماتوری ایران که سال‌ها زندگی‌اش را صرف این کار کرده یکی از کسانی است که به طور قطع پاسخ خیلی از سوال‌های نجومی ذهن‌مان را می‌داند و اگر می‌خواهید بدانید که آدم‌فضایی‌ها چه زمانی به زمین می‌آیند یا عجیب‌ترین پدیده‌های آسمان چیست یا اصلا آن آسمان پر از ستاره کودکی‌هایمان کجا رفته است؟ گفت‌وگوی ما را بخوانید.

– سن برابر است با تعداد دفعاتی که به دور خورشید چرخیده‌ایم؛ پروفسور دالکی چند بار دور خورشید چرخیده است؟

– من متولد سال ۱۳۱۵ هجری‌شمسی هستم و با این حساب ۸۳ بار دور خورشید چرخیده‌ام.

– شما در رشته مهندسی کشاورزی تحصیل کردید و مدرک مهندسی نقشه‌برداری هوایی و مهندسی تفسیر عکس‌های هوایی از هلند دارید، بنابراین تحصیلات آکادمیک شما ارتباطی با نجوم ندارد. به ستاره‌شناسی علاقه‌مند بودید یا اتفاقی افتاد که شما را در این مسیر قرار داد؟

– من قبل از این که وارد رشته مهندسی شوم، به نجوم علاقه‌مند بودم، یعنی از همان دوران کودکی آسمان برای من نقطه جذاب جهان بود؛ از همان دوران که در حیاط خانه می‌خوابیدیم و شب وقتی سرمان را روی بالش می‌گذاشتیم آسمان تیره را با نورهای کوچک و بزرگ می‌دیدم، راز شب و ستاره‌هایش برایم جالب بود.

– از آسمان کودکی‌هایتان حدود ۸۰ سال می‌گذرد، آسمان آن موقع چه تفاوتی با الان پیدا کرده است؟

– آن موقع خیلی چیزها را نمی‌دانستم و تشخیص نمی‌دادم و وقتی از اطرافیان هم راجع به آسمان و ستاره‌ها سوال می‌پرسیدم، کسی جوابی برایش نداشت، ولی حالا که به آسمان نگاه می‌کنم علت هر چیزی را می‌توانم تشخیص دهم.

راستش آسمان کودکی‌های ما با آسمان الان خیلی فرق کرده است. یادم هست در زمان کودکی وقتی تابستان‌ها روی پشت‌بام می‌خوابیدیم، پدرم دب اکبر و اصغر را به من نشان می‌داد و من هر شب نور این ستاره‌ها را دنبال می‌کردم، اما حالا که به آسمان نگاه می‌کنم، خبری از آنها نیست. آیا دب اکبر و اصغر از آسمان رفته‌اند؟

مرغوبیت ستاره‌شناسی نسبت معکوس به نور محیط دارد. هر چه نور محیط بیشتر باشد، ستاره‌شناسی نامرغوب‌تر می‌شود، بنابراین امروز اگر شما در شهرهای بزرگ مثل تهران و مراکز استان‌ها دب‌اکبر و اصغر یا ستاره‌های دیگر را نمی‌بینید، دلیلش این است که نور شهرها خیلی زیاد است و این نورها نمی‌گذارند آسمان را ببینید.

– الان به عنوان پدر نجوم آماتوری ایران چه پدیده‌های آسمانی را می‌بینید و می‌شناسید که در دوران کودکی علتش را نمی‌دانستید؟

– مثلا این که می‌بینیم یک مرتبه یک خط نورانی در آسمان عبور می‌کند. این از کودکی برای من سوال بود که این خط نورانی چیست که در آسمان پیدا و بلافاصله ناپدید می‌شود. بعدا کم‌کم فهمیدم که آنها شهاب‌ها هستند. از نظر علمی شهاب‌ها ذرات غباری در فضا هستند که به اتمسفر زمین می‌خورند و می‌سوزند و خاکستر می‌شوند.

– وقتی در دوران کودکی درباره رخدادهایی که در آسمان اتفاق می‌افتاد از اطرافیانتان می‌پرسیدید، چه جوابی به شما می‌دادند؟ منظورم این است که باورهای مردم در قدیم نسبت به آسمان چه بود؟

– آن دوران معمولا مردم نسبت به رخدادهای آسمانی تعبیرات دینی یا بعضا خرافی داشتند.

– نخستین تلسکوپی که خریدید چه بود؟

– تلسکوپ زایس که البته نخستین و آخرین تلسکوپی بود که خریدم و هنوز هم همان را دارم. قبل از انقلاب خریدم. سال دقیقش را به خاطر ندارم، حدودا دهه ۵۰ بود.

– آن زمان قیمتش چقدر بود؟

–۳ هزار دلار، البته به نرخ دلار آن روز، نه نرخ دلار امروز!

– الان کجاست؟

– پایه‌های سنگین تلسکوپم روی پشت‌بام خانه‌مان در طبقه دوازدهم است و در یک قسمت از سقف خانه‌مان هم آسمان‌نمای کوچکی طراحی کردم، بنابراین هر کجا که می‌روم به دور از ستاره نیستم.

– شما به عنوان پدر نجوم آماتوری ایران لقب گرفته اید. اصلا نجوم آماتوری چیست؟

– نجوم را به دو قسمت تقسیم می‌کنند؛ یک قسمت نجوم حرفه‌ای است که یعنی نیاز به تحصیلات آکادمیک دارد و البته عاقبتش هم بعد از فارغ‌التحصیلی کارمندشدن در یک رصدخانه یا دانشگاه است، اما بخش دیگر نجوم آماتوری است، به این مفهوم که هر کسی با ذوق و علاقه خودش می‌تواند روی ماه و ستاره‌ها و سیارات مطالعه کند، بنابراین منجم آماتور کسی است که از این حرفه پول یا حقوق دریافت نمی‌کند، اما به واسطه علاقه‌اش در اوقات فراغت به مطالعه آسمان می‌پردازد.

– در ایران برای نجوم و ستاره‌شناسی رشته دانشگاهی وجود دارد؟

– برای مقطع کارشناسی خیر و فقط در مقطع کارشناسی ارشد می‌توان در این رشته تحصیل کرد، یعنی باید لیسانس را از یک رشته‌ای اخذ کنیم، بعد برای فوق‌لیسانس نجوم بخوانیم.

– تعداد کدام گروه از ستاره‌شناسان در دنیا بیشتر است؟ منظورم این است آماری از تعداد ستاره‌شناسان آماتوری و حرفه‌ای وجود دارد؟

– تعداد ستاره‌شناسان آماتور در دنیا به ده‌ها میلیون می‌رسد، ولی آخرین آماری که از ستاره‌شناسان حرفه‌ای دارم این است که تعدادشان ۵ هزار نفر است.

– در ایران چند ستاره‌شناس حرفه‌ای داریم؟

– تعدادشان کمتر از صد نفر است، ولی بیش از ۱۰هزار ستاره‌شناس آماتور داریم.

– بهترین نقطه ایران برای دیدن آسمان کجاست؟

– کویر لوت بهترین و باارزش‌ترین قسمت ایران برای دیدن آسمان است.

– اصلا ایران در مقایسه با مکان‌های جغرافیایی کره‌زمین منطقه خوبی برای ستاره‌شناسی هست؟

– بله، چون تقریبا نصف کشور ایران حالت کویری دارد برای ستاره‌شناسی خوب است، اما در عین حال متاسفانه امکانات ستاره‌شناسی علمی و حرفه‌ای در کشور ما خیلی محدود است.

سرپوش علمی – بهناز مقدسی





توصیه من به جوان‌ها به خصوص کسانی که در کار نجوم می‌خواهند وارد شوند، این است که منتظر نشوند که تلسکوپ گران‌قیمتی گیرشان بیاید یا بخرند و بعد کار را شروع کنند. به نظر من این آسمان تا مجانی است نگاه کنند. با کتاب‌های ساده و نقشه‌های ساده با آسمان آشنا بشوند و اوقات فراغت خود را در این خط بیاورند. منتظر خرید تلسکوپ هم ننشینند، با یک دوربین دوچشم ساده می‌توان کار را جلو برد و چون جوان هستند، چشم‌شان سالم است و با دوربین‌های به نسبت متوسط با قیمت مناسب شروع کنند

باشند. در مقام مقایسه در کالیفرنیا یک مرکز علمی دیدم که حدود ۶۰۰ دستگاه علمی در این مرکز بود، یعنی جوانی که می‌آید بر حسب این‌که به چه چیزی علاقه دارد، از نجوم بگیرید تا فیزیک و شیمی و یا هر چیز دیگری، نمونه‌اش موجود است که دست می‌زند و کار می‌کند و... و مثل موزه نیست. این سفر آخری که رفته بودم جای آن را عوض کرده بودند و هزار تا دستگاه آورده بودند. مردم دنیا علم خود را تجدید می‌کنند و چیزهای تازه یاد می‌گیرند. ما مرکز علمی خیلی کم داریم.

– از میان زیباترین پدیده‌هایی که در آسمان دیده‌اید، اگر بخواهید یکی را انتخاب کنید، کدام است؟

* من مقدار زیادی شهاب‌باران دیدم و شهاب‌باران‌ها خیلی زیبا و قشنگ هستند. آدم شب و نصف شب در آسمان نگاه می‌کند که پشت سر هم نورهایی پیدا می‌شوند و رگبارهایی می‌آیند که حاصل برخورد ذرات ریز موجود در آسمان که بعضاً از دنباله‌دارها در فضا باقی مانده‌اند و به اتمسفر زمین می‌خورند و می‌سوزند و کمتر از لحظه‌ای فضا را روشن می‌کنند. خورشید گرفتگی و ماه‌گرفتگی‌ها، که خورشید گرفتگی اصفهان خیلی خوب بود و ماه‌گرفتگی و این‌ها برای من خیلی لحظات زیبا و باخاطره و ماندگاری هستند که لازمه‌اش این است که از سر شب تا روشن شدن هوا در سحر سرپا بایستید و آسمان را نگاه کنید و با ابزار خاص عکس بگیرید و استفاده بکنید.

– آیا با استان و زادگاه خود ارتباط و تعاملی دارید؟

* اصل قضیه رصدخانه است که خوشبختانه دیدم در بوشهر هم یک رصدخانه دایر شده و یک انجمن نجوم و ستاره‌شناسی فعال را هم دیدم که اخیراً یک شب مهمان آنها بودم و بچه‌ها را دیدم که در کار ستاره‌شناسی هستند و در مجموع با کسانی ارتباط دارم که بیشتر آنها می‌خواهند که کمکی بکنم و یا همراهی داشته باشم. منظور کمک مالی نیست، کمک علمی و راهنمایی باشد، دریغ نخواهم کرد. غیر از موارد ذکر شده، تاکنون در این زمینه خیلی چیزی از من نخواسته‌اند.

– خودتان تا حالا به فکر افتاده‌اید که به تاسیس و گسترش رصدخانه‌ی بوشهر به عنوان خانه‌ی پدری خود کمک کنید؟

– یکی از من بخواهد که آقا ما می‌خواهیم این کار را بکنیم، چکار بکنیم و راهنمایی بخواهد. مثلاً مرکز علوم و ستاره‌شناسی را از من خواسته‌اند و یا آسمان‌نمای تهران را از ما خواستند و البته بعد از این که آسمان‌نمای تهران را ساختیم و خیلی از آن می‌گذرد آسمان‌نمای بهتری فراهم شده است، ولی برای بوشهر کسی از من نخواسته است.

– بزرگداشتی هم در بوشهر برای شما برگزار شد. بالاخره بوشهری ها در بحث تعاملات شما را یادشان نرفته است.

* بله چندین بار بوده حتا در برازجان التفات کردند و یا همین‌طور که شما اشاره کردید در ابتدای شهر دالکی اسم بنده را نوشتند و هم‌ولایتی‌ها نسبت به بنده محبت داشته‌اند و یا حتا بنیاد نخبگان و کتابخانه ملی آن‌جا خیلی التفات به من داشتند و من هم دلم می‌خواهد کارهایی برای آنها بکنم، مثلاً آخرین کاری که کردم یک ساعت آفتابی برای دالکی با پول خودشان و با مشاوره علمی بنده راه‌اندازی شد و همچنین کمک‌های علمی در دیگر زمینه‌ها هم کرده‌ام. جوانان بدانند که در هر شرایطی می‌شود کاری کرد و تمام مشکلات را کنار بگذاریم. اگر آدم عشق به وطن، مملکت و همنوعان داشته باشد می‌تواند آدم را وادار کند که خدمتی بکند.

– از رصدخانه استان بوشهر بازدید هم داشته‌اید؟ این رصدخانه از چه جایگاهی برخوردار است؟

* بله، برای کارهای آموزشی و تحقیقاتی به آن فرمی که عمده فرض کنیم، خوب نیست، ولی برای کارهای آموزشی جوانان و علاقه‌مند کردن آنها به این علم جای بسیار خوبی است.

– چه توصیه‌ای برای جوانان علاقه‌مند به علم نجوم دارید؟

* علم نجوم بستگی به آسمان دارد. هر کجای کره‌ی زمین برویم آسمان بالای سرمان است و هنوز هیچ دولتی هم برای نگاه کردن به آسمان و از آسمان لذت بردن و نگاه کردن و عکس گرفتن مالیات نبسته است. بنابراین کارها فراهم است. توصیه من به جوان‌ها به خصوص کسانی که در کار نجوم می‌خواهند وارد شوند، این است که منتظر نشوند که تلسکوپ گران‌قیمتی گیرشان بیاید یا بخرند و بعد کار را شروع کنند. به نظر من این آسمان تا مجانی است نگاه کنند. با کتاب‌های ساده و نقشه‌های ساده با آسمان آشنا بشوند و اوقات فراغت خود را در این خط بیاورند. منتظر خرید تلسکوپ هم ننشینند، با یک دوربین دوچشم ساده می‌توان کار را جلو برد و چون جوان هستند، چشم‌شان سالم است و با دوربین‌های به نسبت متوسط با قیمت مناسب شروع کنند. ان‌شاءا... بعدها پولدار می‌شوند بخواهند دستگاهی گران‌تر را بخرند عیبی ندارد، ولی منتظر آن نمانند. با دوربین، چشم و کتاب و نقشه، با همراهی هم و گروهی کار کردن با دوستان آسمان را نگاه کنند، از خانه و شهر به بیرون روند و کار ستاره‌شناسی را دنبال کنند که این تجربه‌ی چندین‌دهه کار خودم بوده است.

– مهم‌ترین پیام و حسی که از آسمان گرفتید، چه بوده است؟

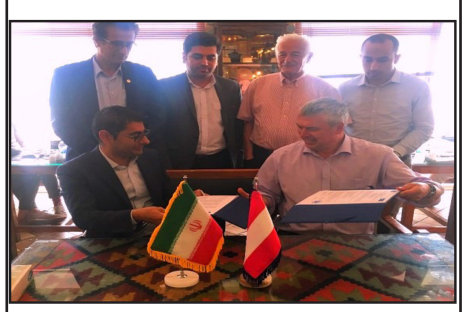
* آسمان خیلی زیباست و خیلی عظمت و رمز و راز دارد. خیلی سخت است که باور کنیم در طول عمر خودمان – حالا هر چقدر هم باشد – بتوانیم به تمام جزییات آن پی ببریم. هر چه نگاه کنیم و مطالعه کنیم باز جا دارد و ندانسته زیاد است و تمام این‌ها آن رمز و اسراری است که خدا در این مجموعه آفریده است. ببینید با چه اعداد و ارقامی سر و کار داریم؛ مثلاً می گوییم که انفجار بزرگ ۱۳/۷ میلیارد سال پیش به وجود آمده که بعد کائنات کم‌کم به وجود آمدند. به آسمان که نگاه می‌کنیم منظومه شمسی نزدیک‌مان است و بعد کهکشان راه شیری را می‌بینیم، بنا به برآوردهای مختلف کهکشان راه شیری از صد میلیارد، ۲۰۰ میلیارد، ۳۰۰ میلیارد و حتا بالاتر از این‌ها ستاره و... دارد. این تازه می‌شود یک کهکشان! حال شما حساب کنید که ما چند تا کهکشان داریم؟ چندصد میلیارد هم کهکشان داریم، چندصد میلیارد کهکشان و هر کهکشان هم ۱۰۰ یا ۲۰۰ میلیارد ستاره حساب کنیم، چندین ستاره بین اینهاست و این عظمت از کجاست و از کجا آمده و به کجا می‌خواهد برود! البته دیگر بیشتر از این فکر نکنیم و همین اندازه کافی است، زیرا دیگر نمی‌توانیم به آخر برسیم و درک کاملی داشته باشیم، فقط می‌توانیم عظمت را دریابیم. می‌خواهم به این جا برسم و این را بگویم که وقتی آدم این اعداد را می‌بیند مثلاً حالا این اتاقی که ما نشستیم من که وارد بشوم منی که با این اعداد سر و کار دارم، نباید برای من عمده و مهم باشد که من بالای مجلس نشستم یا پایین مجلس! دیگر این موارد مطرح نیست و پی می‌بریم که در این خلقت جایی برای غرور بی‌جا و منیّت نمی‌ماند و باید متواضع بود. نگاه به آسمان، وسعت دید ایجاد می کند.

دانشگاه خلیج فارس با اتریشی ها تفاهمنامه همکاری امضا کرد

دانشگاه خلیج فارس در راستای توسعه روابط و همکاری های بین الملل خود در آیینی با دانشگاه فنی TU Wien اتریش تفاهمنامه همکاری امضا کرد.

مدیرامور بین الملل و دانشجویان غیرایرانی دانشگاه خلیج فارس در گفت وگو با ایرنا گفت: در حاشیه رویداد بین المللی شناخت معماری و تجربه زیست شهری بوشهر که با حضور بیش از ۳۰ نفر از استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی حوزه حمل و نقل و طراحی شهری دانشگاه صنعتی وین به میزبانی دانشگاه خلیج فارس برگزار شد تفاهم نامه همکاری در راستای توسعه ظرفیت همکاری های علمی بین ۲ دانشگاه امضا شد.

آرش خسروی افزود: این تفاهم نامه شامل مواردی



همچون انجام پروژه های پژوهشی مشترک، انتقال دانش در حوزه طراحی شهر پایدار، برگزاری رویدادهای مشترک و تبادل دانشجو و استاد در قالب فرصت های مطالعاتی با حمایت مالی اتحادیه اروپا و طرح اراسموس پلاس است.

وی ادامه داد: تفاهمنامه یاد شده توسط دپارتمان شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه خلیج فارس و مرکز پژوهشی برنامه ریزی حمل و نقل و مهندسی ترافیک دانشگاه وین اتریش امضا شده و همچنین امور بین الملل هر دو دانشگاه مسئول پی گیری، اجرا و نظارت بر انجام آن هستند.

دانشگاه فنی وین یا دانشگاه صنعتی وین بزرگترین دانشگاه و مرکز پژوهشی کشور اتریش در رشته‌های فنی و مهندسی است که در رتبه بندی دانشگاه‌های فنی و مهندسی جهان در رتبه ۸۱ قرار گرفته است.

هیات دانشگاهی اتریش با هدف حضور در رویداد بین المللی شناخت معماری و تجربه زیست شهری از ابتدا هفته جاری وارد بوشهر شدند.

در حاشیه این رویداد علاوه بر تاسیسات بندری از شهر جدید عالیشهر، بافت قدیم بوشهر، عمارت ها و موزه های این بندر بازدید کردند.

هیات دانشگاهی از اتریش در بوشهر

مدیر امور بین الملل و دانشجویان غیرایرانی دانشگاه خلیج فارس گفت: هیاتی ۳۰ نفره از استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی وین اتریش به سرپرستی رئیس پژوهشکده حمل و نقل و مهندسی ترافیک این دانشگاه برای شرکت در رویداد مشترک شناخت معماری و تجربه زیست شهری در بوشهر حضور یافتند.

آرش خسروی در گفت و گو با ایرنا افزود: این هیات در راستای توسعه ظرفیت همکاری های بین المللی دانشگاه خلیج فارس و به دعوت دفتر امور بین الملل و دانشجویان غیر ایرانی این دانشگاه برای سه روز به بوشهر سفر کردند.

وی بیان کرد: این رویداد علمی فرهنگی به میزبانی دانشکده هنر و معماری و با همکاری امور فرهنگی و روابط عمومی دانشگاه برگزار شد.

خسروی اظهارداشت: این همایش شامل سخنرانی ها، کارگاه های آموزشی کاربردی و مطالعات میدانی در معماری عمارت های بوشهر، بافت قدیم، مسائل حمل و نقل، شهر جدید عالیشهر، طرح های بازآفرینی شهری در بافت قدیم و آشنایی با موسیقی محلی و تجربه زیست شهری در بوشهر بود.

خسروی افزود: توسعه همکاری های علمی بین المللی با هدف پیگیری تفاهم نامه های بین دانشگاهی، همتایابی و ایجاد زمینه‌های کار مشترک پژوهشی و پایان نامه های مشترک میان رشته ای و استفاده از گرنت های بین المللی از اهداف و جهت گیری های اصلی دفتر امور بین الملل و دانشجویان غیرایرانی دانشگاه خلیج فارس است.

وی اظهار داشت: معرفی استان بوشهر و دانشگاه خلیج فارس و توسعه گردشگری دانشگاه محور در کنار اهداف علمی نشست ها و بازدیدهای هیات های دانشگاهی بین المللی نیز می تواند مورد توجه قرار گیرد که در این بین می توان به تجارب موفق دانشگاه خلیج فارس در میزبانی از دانشجویان دانشگاه های اتریش در دوره های مختلف با محوریت صنعت، فرهنگ و دانشگاه در ۲ سال اخیر اشاره کرد که رویدادهای یاد شده پس از برندسازی با بیلان مالی پایدار بصورت مدون ادامه یافته اند.

نسیم جنوب
ورزشی
شماره ۸۸۷ یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸
NASIM JANOUB

حال ناخوش پارس جنوبی جم و نگرانی هواداران

پارس جنوبی که از تابستان ۱۳۹۶ به لیگ برتر صعود کرد توانست حضوری موفق را تجربه کند و در اولین سال حضور خود، بالانشین جدول باشد و چند هفته‌ای نیز بالاتر از همه مدعی‌هایی همچون، پرسپولیس، استقلال، سپاهان، تراکتورسازی و ذوب آهن صدرنشین لیگ برتر فوتبال کشورمان باشد.

تاریخ‌سازی پارس جم در لیگ برتر

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، با وجود شرکت‌های نفت و گاز در عسلویه و نتایج رضایت بخش تیم فوتبال پارس جنوبی جم، نه تنها مردم استان بوشهر بلکه پارس جنوبی از استان‌های فارس و هرمزگان نیز هوادار داشت و همچنان نیز دارد و این تیم به نوعی نماینده جنوب کشور در لیگ برتر است. هواداران خونگرم پارس جنوبی، امیدوار بودند تا این روند مثبت خود را ادامه دهند. جمی‌ها در اولین حضور خود در لیگ برتر علاوه بر تجربه صدرنشینی برای چند هفته، تا پایان فصل برای کسب سهمیه آسیا جنگیدند و در پایان فصل گذشته رتبه پنجمی را به دست آوردند و به عنوان تیمی که اولین حضور خود در لیگ برتر را تجربه می کرد یک نوع تاریخ سازی به حساب می‌آید.

این تیم دوست داشتنی جنوب کشورمان که به عنوان نماینده استان بوشهر در رقابت‌های لیگ برتر حضور دارد اما در دومین سال حضور خود، نتوانست نتایج دل‌خواه را به دست آورد و هم‌اکنون در میانه جدول جا خوش کرده است.

نگرانی هواداران از مشکلات مالی

شاگردان مهدی تارتار این فصل را با مشکلات مالی فراوان پشت سر گذاشتند تا هواداران طلایی‌پوش جنوب بوشهر، نا امید از وعده‌های مسؤولان سیاسی و ورزشی استان بوشهر و باشگاه پارس جنوبی باشند و در ورزشگاه بارها برعلیه مسؤولان نفت شعار دهند و چندین بار نیز جلوی فرمانداری و درب‌های شهرک‌های نفت و گاز در شهرستان جم تجمع کنند. این روزها تیم پارس جنوبی حال و روز خوشی ندارد و همه نگران وضعیت تیم هستند. دستور وزیر نفت برای عدم تیم‌داری این وزارت خانه و ارگان‌های زیر مجموعه در سطح اول و حرفه‌ای فوتبال کشور سبب شد تا نفت تهران سقوط کند و حالا استان بوشهری‌ها نگرانند که خدای ناکرده، پارس جنوبی که هواداران بی‌شماری در جنوب کشور دارد به سرنوشت نفت تهران و دیگر تیم‌های نفتی دچار شود.

در چند روز گذشته به دلیل مشکلات مالی، بازیکنان پارس جنوبی حاضر به تمرین نشده‌اند تا آژیر قرمز در اردوی پارس جنوبی دیده شود.

وعده مسئولان عملی نشده است

سرپرست تیم پارس جنوبی با اشاره به عملی نشدن وعده مالی مسئولان این باشگاه گفت: متاسفانه هنوز خبری نیست، ولی مسئولان دنبال کارها هستند. این طور نیست که فقط وعده بدهند و کاری صورت نگیرد. درست است که وعده باشگاه برای پرداخت پول در آخر فروردین عملی نشد، اما در تلاش هستیم تا پول‌ها را پرداخت کنیم. مسئولان باشگاه به خوبی می‌دانند که این بازیکنان هم خانواده دارند و زندگی با ۳۵ درصد دریافتی خوب نمی‌چرخد.

فروش امتیاز پارس جنوبی؟

عبدالرحیم خطیب در مورد احتمال فروش باشگاه پارس جنوبی در فصل آینده تصریح کرد: در مورد تیم‌داری در فصل آینده خبر ندارم. ما تا آخر فصل کارمان را انجام می‌دهیم و از آن پس مسئولان هر کاری دلشان می‌خواهد می‌توانند انجام دهند و امیدوارم هر تصمیمی می گیرند به نفع مجموعه باشد چون مشکلات مالی امسال به تیم ما ضربه زد.

عبدالله ویسی سرمربی شاهین بوشهر:

می‌توانم کارهای بزرگ‌تری در شاهین انجام بدهم



سرمربی تیم فوتبال شاهین بوشهر با بیان اینکه دوست دارد فصل آینده هم سرمربی این تیم در لیگ برتر باشد، گفت: هیچ مربی‌ای رزومه مرا در پنج سال گذشته ندارد.

عبدالله ویسی در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره صعود تیم فوتبال شاهین بوشهر به لیگ برتر گفت: بازی متفاوتی با تیم سرخپوشان داشتیم. همه جور احتمالی وجود داشت و ممکن بود حتی به لیگ برتر نرسیم. در هفته‌های پایانی با بازیکنانم کارهای روانی زیادی انجام دادم و آنها را آماده بازی بزرگ و محکم کرده بودم. البته جوری کار کردم که بازیکنانم استرس نگیرند و حساسیت مسابقه آنها را تحت تأثیر قرار ندهد.

خدا به ما پاداش داد

وی افزود: خوشبختانه مسئولان و هواداران هم در این بازی کنار تیم بودند و با غیرت بازیکنان توانستیم به پیروزی برسیم. خدا پاداشمان را با صعود به لیگ برتر داد و به مردم بوشهر و بازیکنانم تبریک می گویم.

از ۱۰ تیم لیگ دسته اولی پیشنهاد داشتم

سرمربی تیم شاهین بوشهر در پاسخ به این سؤال که آیا حضورش در لیگ دسته اول بعد از کار در لیگ برتر ریسک نبود؟ تصریح کرد: باور کنید از حدود ۱۰ تیم لیگ دسته اولی پیشنهاد داشتم. حتی با مسئولان هشت تیم مذاکره کردم ولی دلم نبود و می‌دانستم اگر به این تیم‌ها بروم، اتفاقات بدی برایم رخ می‌دهد. می‌دانستم علاوه بر درون زمین باید خارج از زمین هم با یکسری مسائل بجنگم.

بوشهری‌ها هیچ موقع اذیتم نکردند

ویسی ادامه داد: با این حال وقتی پیشنهاد شاهین آمد، پیش بینی می کردم که بتوانم با این تیم موفق باشم. خودم پنج سال در شاهین بازی کرده بودم و به این تیم عِرق داشتم. ضمن اینکه بازیکنان بوشهری که در تیم‌های مختلف داشتم هیچ موقع اذیتم نکردند. با چند تن از بزرگان ورزش هم برای رفتن به شاهین مشورت کردم.

با یاوری، مهاجرانی و پیروانی مشورت کردم

وی در پاسخ به این سوال که با چه کسانی برای حضور در تیم شاهین مشورت کرده بود؟ گفت: با افرادی مثل محمود یاوری، مجید باقری، حشمت مهاجرانی، روشنایی، شوری و غلامحسین پیروانی. همه می گفتند باید در فوتبال باشم. تشکر ویژه ای از پیروانی دارم و واقعاً به خاطر کمک‌هایش مدیون او هستم.

نمی‌توانستم با سرمربیان لیگ یک بجنگم

سرمربی تیم شاهین درباره چالش‌های در لیگ دسته اول اظهار کرد: من تجربه کار در لیگ دسته اول را نداشتم ولی ۱۲ هفته نباختیم و کم کم به تماشاگران تیم اضافه شد. من هم نمی‌توانستم با بعضی از سرمربیان کنار خط بجنگم ولی تا جایی که توانستم روی مسائل روحی و روانی تیمم کار کردم. تمرکزمان روی تیم شاهین بود و کاری به تیم‌های دیگر نداشتیم.

رفتار ۵۰ درصد مربیان لیگ یک چندش آور است

ویسی در خصوص تفاوت‌های لیگ برتر با لیگ دسته اول گفت: صد درصد فرق می‌کند. من در لیگ برتر سالیان سال کار کرده ام. اتفاقات لیگ دسته اول زننده است و به هیچ وجه زیبنده فوتبال نیست. ۵۰ درصد مربیان در لیگ یک کنار خط حاشیه و جنجال ایجاد می کنند که رفتارشان چندش آور است. چطور می‌گذارند این مربیان در لیگ یک کار کنند؟

کمیته اخلاق و انضباطی ورود کنند

وی افزود: فکر می‌کنم کمیته اخلاق و کمیته انضباطی هم از اتفاقات لیگ یک خبر دارند ولی کاری نمی‌کنند. خالصانه از کمیته اخلاق می‌خواهم به این مسائل ورود کند و کسانی که اخلاق ندارند را کنار بگذارند. کمیته داوران هم باید به داوران آموزش بدهد که چطور جرأت برخورد با این مربیان را داشته باشند تا کنار خط نتیجه را عوض نکنند. شنیده بودم لیگ یک کثیف است و برای همین می‌ترسیدم ولی خدا کمکم کرد.

۵۰ درصد مربیان با شخصیت و سالم هستند

سرمربی تیم شاهین ادامه داد: با این حال ۵۰ درصد دیگر از مربیان سالم و با شخصیت هستند. اگر کمیته اخلاق یک بار با مربیان بی اخلاق برخورد کند، شرایط لیگ یک خوب می‌شود. مگر تیم یوونتوس نبود که این تیم را به لیگ دسته اول ایتالیا فرستادند؟ فدراسیون یک بار برای همیشه مربیان بی اخلاق را کنار بگذارد تا کثیف کاری یاد بازیکنانشان ندهند.

تفاوت فنی لیگ یک و لیگ برتر زیاد نیست

ویسی در خصوص تفاوت‌های فنی لیگ دسته یک و لیگ برتر خاطرنشان کرد: باور کنید توانایی بازیکنان در لیگ یک خیلی زیاد است ولی کیفیت زمین‌ها و نوع برخورد مربیان و تماشاگران گاهی اوقات باعث می‌شود عملکردشان ثمری نداشته باشد. تفاوت بین دو لیگ از نظر فنی زیاد نیست و شاید به تفاوت تجربه بازیکنانش در بازی در ورزشگاه‌های بزرگ و با کیفیت برگردد.

دوست دارم در شاهین بمانم

وی درباره احتمال تمدید قراردادش با تیم شاهین و سرمربیگری در لیگ برتر با این تیم، گفت: قراردادم با شاهین تمام شده است ولی دوست دارم در شاهین بمانم. ۱۲ هفته در این تیم راحت بودم. آدم‌های خوب و مسئولیت پذیری در شاهین هستند. استعدادهای زیادی هم در بوشهر وجود دارد که می‌توانم کمک کنم استعدادشان را بروز بدهند. می‌توانم کارهای بزرگ‌تری در شاهین انجام بدهم و ان شاءالله که بتوانم بمانم.

هیچ مربی ای رزومه مرا ندارد

سرمربی تیم فوتبال شاهین در پایان در خصوص احتمال تغییر سرمربی این تیم در لیگ برتر تأکید کرد: هیچ اشکالی ندارد. مسئولان شاهین هر مربی ای را که دوست داشته باشند می‌توانند انتخاب کنند. من کارم را انجام می‌دهم. مگر با فولاد قهرمان نشدم؟ مگر با صبا سهمیه آسیایی نگرفتم؟ زندگی ادامه دارد. خدا را شکر حامیان من آدم‌های سالم هستند. من با دلال‌ها کار نمی‌کنم. استقلال خوزستان را دو سال با بدبختی در لیگ برتر نگه داشتم و در نهایت قهرمان کردم. انگار نه انگار و اصلاً کارم دیده نشد. هیچ مربی ای رزومه مرا در پنج سال گذشته ندارد؛ از نگه داشتن تیم در لیگ برتر با بدبختی و قهرمان کردن آن تیم تا حضور در لیگ دسته اول و رساندن آن به لیگ برتر.

نماینده جنوب استان بوشهر در مجلس:

تیم پارس جم با این هواداران پرشور نباید مشکلات مالی داشته باشد

نماینده مردم شهرستان‌های دیر، کنگان، جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی گفت: تیم پارس جم با این هواداران پرشور نباید مشکلات مالی داشته باشد. به گزارش خبرنگار مهر، سکینه الماسی در جمع خبرنگاران با تأکید بر لزوم حمایت ویژه از تیم پارس جنوبی جم اظهار داشت: همه مسئولان باید حمایت لازم را از تیم پارس جنوبی جم داشته باشند و مشکلات این تیم حل شود.

وی با بیان اینکه تیم پارس جم خط قرمز مردم است افزود: حضور این تیم لیگ برتری در دل صنایع نفت و گاز، یکی از دل‌خوشی‌های بزرگ جنوب کشور است که جوانان بی‌شماری را به فرداهای بهتر در عرصه ورزش قهرمانی امیدوار ساخته است. الماسی ضمن تقدیر از زحمات و تلاش‌های مدیرعامل منطقه پارس برای تأمین مالی تیم پارس جنوبی جم، بیان کرد: حفظ این دل‌خوشی، خط قرمز مردم و هواداران این تیم محبوب جنوب است. نماینده مردم شهرستان‌های دیر، کنگان، جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: انتظار دارم همه مسئولان در وزارت نفت و سایر دستگاه‌های اجرایی برای تداوم بقای آن در سطح اول فوتبال کشور بکوشند. اگر وجود و بقای تیم‌هایی چون پرسپولیس و استقلال برای بسط امید و نشاط در جامعه ضروری است بدون تردید حضور تیمی مثل پارس جنوبی جم با هواداران پرشور در بزرگترین صنعت گاز و پتروشیمی کشور در کنار مصائب مختلف صنعت بسیار ضروری‌تر است.

واکنش مهدی طارمی به صعود شاهین بوشهر

تیم فوتبال شاهین شهرداری بوشهر در هفته ماقبل پایانی لیگ دسته اول فوتبال کشور موفق شد با یک گل سرخپوشان پاکدشت را شکست داده و به لیگ برتر صعود کند.



شاهین شهرداری بوشهر با پیروزی در این مسابقه بعد از ۱۰ سال مجدداً به لیگ برتر فوتبال بازگشت.

مهدی طارمی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام درباره صعود شاهین بوشهر به لیگ برتر فوتبال نوشت:

خدایا شکرت
شاهین به لیگ برتر صعود کرد
مردمان شهرم خوشحالند
حق مردم مظلوم من و هواداران فوتبال بیش از اینهاست
ممنون از همه آنهایی که تیم را راهی لیگ برتر کردند بخصوص عبدالله ویسی
شادباش به فوتبال بوشهر

عشق کافی نیست!

شاهین بوشهر نیازمند پول و امکانات



شاهین بوشهر یکی از دو تیم صعود کرده به لیگ برتر فصل آینده است تیمی با هواداران بسیار اما باشگاهی بدون امکانات و زیرساخت‌های مناسب برای حضور و بقا در لیگ برتر. هواداران عاشق تنها فاکتور لازم نیست!

به گزارش "دی اسپورت"، رقابت‌های لیگ دسته اول یک هفته مانده به پایان مسابقات تیم‌های صعوده کرده خود را شناخت. گل‌گهرسیرجان به عنوان قهرمان و شاهین شهرداری بوشهر به عنوان نایب قهرمان این فصل لیگ دسته اول به لیگ برتر صعود کردند. گل‌گهرسیرجان باشگاهی با امکانات و شرایط مالی مناسب است. تیمی که با برنامه سه سال و هدفمند کار کرد و به لیگ برتر رسید. وینگو بگوویچ هموطن برانکو سرانجام به لیگ برتر رسید و اگر وینگو در این تیم بماند فصل آینده او مجبور می‌شود با دوست قدیمی خود رقابت کند. گل‌گهر سیرجان به اندازه خودش هوادار هم دارد. قطعا مدیران این باشگاه برای حضوری قدرتمند در لیگ برتر برنامه‌ریزی دقیق‌تری خواهند داشت.

شهرستان سیرجان بدون اغراق و تعارف موفق‌ترین شهر ایران در فصل گذشته است. تیم گل‌گهر سیرجان به لیگ برتر صعود کرد و تیم آرمان گهر سیرجان هم از رقابت‌های لیگ دسته دوم به لیگ دسته اول صعود کرد! شهرستانی که شاید کمتر از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد اما شهری با امکانات و صنعتی است. هر چند شاید ورزشگاه گل‌گهرسیرجان هم برای برگزاری مسابقات لیگ برتر نقص‌هایی داشته باشد و تیم سیرجانی مجبور شود در کرمان میزبان حریفان خود در لیگ برتر شود! با این حال گل‌گهر دغدغه‌ای برای حضور در سطح اول فوتبال باشگاهی ایران ندارد اما قصه شاهین شهرداری بوشهر فرق می کند.

شاهین شهرداری بوشهر نامی آشنا برای تمامی فوتبال دوستان ایرانی است. شاهین بوشهر در گذشته با وجود داشتن هواداران بی‌شمار و عاشق در نهایت به دلیل نداشتن پول و امکانات سقوط کرد و اکنون این تیم با نام شاهین شهرداری بوشهر به لیگ برتر برگشته است! دو نام مشابه برای یک باشگاه! اتفاقی که در گذشته در فوتبال ایران رخ داد و فیفا هم رقم قابل توجهی فدراسیون را جریمه کرد. اگر بر فرض این مرتبه فیفا کاری به کار شاهین شهرداری بوشهر نداشته باشد اما همه می‌دانند که این باشگاه پول و امکانات و زیرساخت‌های مناسب را برای حضور در لیگ برتر ندارد. این تیم فقط هواداران عاشق دارد هوادارانی که با اسم شاهین بوشهر زندگی می کنند و از فوتبال لذت می‌برند اما برای حضور در لیگ برتر عشق کافی نیست! پول و زیر ساخت‌ها در فوتبال حرفه‌ای حرف اول را می‌زند.

امیدواریم مسئولان استان بوشهر و خود این باشگاه بیش از گذشته قدر این حضور در لیگ برتر را بدانند زیرا به خوبی به یاد داریم که محمود فکری سرمربی شاهین بوشهر به خاطر مشکلات مالی در میانه رقابت های این فصل لیگ یک، از تیم شاهین بوشهر جدا شد و عبدالله ویسی جای او را گرفت. اکنون ویسی هم بهتر از هر کسی دیگر می‌داند که بدون پول و امکانات در لیگ برتر کار سختی در فصل آینده خواهد داشت.

پیام تبریک نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر به مناسبت صعود تیم شاهین شهرداری بوشهر به لیگ برتر فوتبال کشور



به گزارش روابط عمومی دفتر نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر، آیت الله صفایی بوشهری نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر با صدور پیامی صعود تیم شاهین شهرداری بوشهر به لیگ برتر فوتبال کشور را تبریک گفت.

متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

– سپاس و ستایش خداوند را که همگان را هدایت نمود و سلام و درود بی پایان بر پیامبر گرامی اسلام و خاندان طاهرین وی که ما را در طریق نجات و کمال یاری نمودند.

– بدینوسیله صعود مجدد تیم ریشه دار و اخلاق مدار شاهین شهرداری به لیگ برتر فوتبال ایران را به مردم عزیز استان بوشهر، پیشکسوتان، کادر فنی و مدیریتی، بازیکنان عزیز، طرفداران، شورا و شهرداری محترم شهر بوشهر و هیأت پر تلاش فوتبال استان تبریک عرض می کنم.

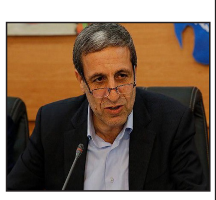
– امیدوارم این تیم و تیم پارس جنوبی نمایندگان شایسته ای برای استان گرانقدر بوشهر باشند و در تمامی میدان های قهرمانی بدرخشند و از تمامی مسؤولان و مراکز مهم صنعتی استان و حامیان گرانقدر تقاضا دارم از این دو تیم برتر و دیگر تیم های ورزشی سراسر استان مانند تیم ارزشمند ایرانجوان که به جهت عدم حمایت مناسب دچار چالش شده اند در تمامی رشته های ورزشی حمایت لازم مبذول دارند.

– مجدداً این افتخارآفرینی را تبریک عرض می کنم و مسؤولانِ این تیم را به برنامه ریزی دقیق و علمی و مدیریتی کارآمد سفارش کرده و به آسیب شناسی از دوره قبل توصیه می نمایم.

صفایی بوشهری

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر

پیام استاندار بوشهر به مناسبت صعود تیم شاهین شهرداری بوشهر به لیگ برتر فوتبال کشور



استاندار بوشهر با صدور پیامی، صعود تیم شاهین شهرداری بوشهر به لیگ برتر فوتبال کشور را تبریک گفت.

متن پیام استاندار بوشهر به این شرح است:

صعود تیم شاهین شهرداری بوشهر رخدادی مسرت‌بخش و توفیقی گرانقدر است که باعث معرفی ظرفیت‌های بوشهر در زمینه فوتبال و ایجاد نشاط و امید در دل مردم استان بویژه جوانان خواهد شد.

مدیریت عالی استان کما فی‌السابق بنا دارد از هر دو نماینده استان (پارس جنوبی جم و شاهین شهرداری بوشهر) در لیگ برتر که از خواسته‌های بحق مردم و ورزشکاران است حمایت و پشتیبانی کند.

اینجانب این توفیق ارزشمند را که نشان از سابقه درخشان و پیشینه پرافتخار فوتبال استان بوشهر دارد را به جامعه ورزشی استان بویژه جوانان و هواداران پرشور این تیم شادباش و تبریک می گویم.

پیام شهردار بندر بوشهر به مناسبت صعود شاهین به لیگ برتر



سلام به بوشهر سرزمین حماسه ها... پرواز و صعود غرورآفرین تیم فوتبال شاهین شهرداری بوشهر را به رقابت‌های لیگ برتر فوتبال کشور (جام خلیج فارس)که موجب خوشحالی و شادی مردم در اقصی نقاط استان بویژه عموم همشهریان بوشهری شد را صمیمانه تبریک و شادباش می گویم و امیدوارم در ادامه حضور این باشگاه محبوب و مردمی در لیگ برتر همواره شاهد درخشش و موفقیت بیش از پیش آن باشیم، باشد که این صعود موجب اعتلا و رونق بیشتر ورزش در شهری که پیشینه وشکوه فوتبالش زبانزد خاص و عام بوده و هست بار دیگر با تلاش و برنامه ریزی، همدلی و همت همه ی دستگاه های فوتبال بوشهر به روزهای پر فروغ گذشته بازگردد، بجاست تا به نوبه خود از شورای اسلامی شهر، باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین شهرداری، بازیکنان، مربیان، هیئت مدیره و مدیرعامل، هواداران، اصحاب رسانه مسئولین ارجمند، اداره کل ورزش جوانان، هیئت فوتبال و همکارانم در مجموعه شهرداری بوشهر که زمینه ساز این رویداد تاریخی و خاطره انگیز شدند سپاسگزاری نمایم.

سید نورالدین امیری شهرداربندربوشهر

مسافر فوتبال (۱۳)

حال و هوای بوشهر و شاهین آن روزها

خاطرات محمود ابراهیم زاده ملی پوش فوتبال بوشهر



رسیدم دم مغازه میوه فروشی دریابگرد، سرتاسر مغازه از دیوار به دیوار صندوقای چوبی پر از انواع میوه جات چیده شده بود، نگاهی به داخل مغازه انداختم تا مسی یا ممسن ببینم، ولی کسی تو مغازه نبود، اما آقای دریابگرد جلوی در مغازه وایساده بود و داشت با آدِی (آقادایی) دایی کرامت کازرونی چک و چونه میزد، ادایی کرو دوتا وانت پیکاب شورلیت (همون شورلت) فیروزه ای رنگ پر از جعبه ی انگور سیاه یاقوتی و انگور ریش بابا از کازرون آورده بود که بفروشه، دریابگرد که نمایندگی واردات انواع میوه و تره بار از همه نقاط ایران داشت، با حرفاش داشت توسرمال می زد تا انگورها رو با قیمت کمتری از آدِی بخره، اونم زیر بار نمی رفت و با لهجه غلیظ کازرونی می خواست با قیمت بالاتر بفروشه، هی میگفت عامو بَخُدا تا صد سال دِ همچی انگوری گیرت نَمیا!

دریابگرد جوابش داد، هانه! راسِ میگی! آدِی ای کجاش ریش بابان؟ ای عامو انگور لرکُشنا! هیچکه پیل سی ای انگورکو نمی ده، از اوطرف آدی کرو قسم میخورد، ارواح بووام، جون خُت ای انگوری مال باغ حاجی عسکریَن، مال باغای دُوونَن (دوان) اگه نَمخُی باکی نی (اشکال نداره) جون خُت می برمش دم گمرک مثه تیر لنجا میبرنش بحرین!

دریا بگرد گفت میخِی خلیل اِبرِیم زاده چوغ تو آسینت کنه؟! میبرمش بحرینا!

برو عاموخدا عوضت بده!

بعد سرش انداخت زیر و برگشت داخل مغازه.

آدِی رفت تو ماشینش نشست و چند دقیقه ای فکر کرد؛ بعد دوباره اومد در مغازه و گفت عامو تُو بَخدا یه قیمت خوب بوگو هم سی تو خوب باشه و هم مو ضرر نکنُم!

دریابگرد گفت یاقوتی هات همش می سونُم و اونای دیگه نصف قیمت ور می دارم.

آدِی نه گذاشت نه ورداشت گُفت عام بَخُدا ببخشا مجبورم کردی که یه چی سیت بگم!

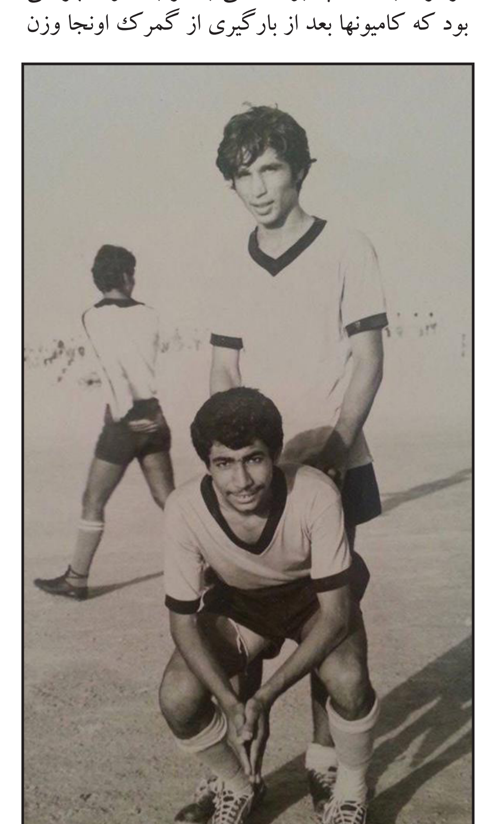
تو عامو خوشگلی یا خوب مزقون میزنی؟ مِی دیونَم هیچیش نمدُمت!

بعد رفت سوار ماشینش شد، شیشه ماشینش کشید پایین و به دریابگرد گفت عامو از ای به بعد اَی پس گوشت دیدی مو و میوه کازرونم میبینی بعد هم استارت زد و رفت.

آدِی که رفت فرصتی شد که من از آقای دریابگرد سراغ مسی و ممسن بگیرم، همینجور که صندوق های میوه هاش داشت می شمرد، گفت ای آغا!

ای بچه ها خُ اهل کار نیسِن! وقت شکار یه چیشون میگیرَه! والله نمی‌دونم کجا رفتن، حتما الان تو عالی آباد هی فوتبال بازی می کنند، صبا صب وقت زودتری بیو اینجا؛ هسسن!

خداحافظی کردم و از مغازه اومدم بیرون؛ سمت چپ پیچیدم تو خیابون راه افتادم طرف گمرک؛ تا از تو خیابون دهقان با مینی بوس شهری برم خونه، چند دقیقه‌ای رفتم تقریبا آخر خیابون سمت راست شعبه مرکزی بانک سپه بود، کمی بالاتر باسکول چرومی بود که کامیونها بعد از بارگیری از گمرک اونجا وزن



دو همرزم شاهینی، دو جوانمرد فرهیخته از نسل ناب ادب و معرفت، ایستاده حسن غلامی نژاد و نشسته ابراهیم حق شناس

می‌کردند، و چند متر بالاتر از باسکول یه کیوسک تخته‌ای (چوبی) قهوه ای ما بین باسکول و درب بزرگ گمرک متعلق به شهرداری قرار داشت که رضا شیرشکن مأمور شهرداری توش نشسته بود و هر کامیونی که از گمرک خارج می شد و می رفت رو باسکول فوراً عوارض شهرداری ازش می گرفت، بعضی روزها هم شیفتش با رسول جمالی عوض می‌کرد و پدر من خلیل ابراهیم‌زاده که مسئول امور شهری شهرداری بود بر تمام موارد واردات و صادرات و تخلفات شهری اشراف داشت خیلی هم سخت گیری می‌کرد؛ و برحسب وظیفه نرخ تمام اجناس و مواد خوراکی و میوه جات و هر چیزی که وارد بازار می‌شد، روزانه به اتفاق دو نفر دیگه از همکارانش چک می کردند و کسی نمی تونست یک قرون بالای قیمت تعیین شده بفروشه، به کیوسک (کوتری) که رسیدم از رضا شیرشکن یه لیوان آب خنک گرفتم و خوردم، و رفتم که به ایستگاه اتوبوس شهری برسم، از کوتری در اومدم و تو خیابون دهقان راه افتادم به طرف محله دهدشتی، سمت راستم یه زمین فوتبال خاکی بود که پشت دیوار بلند گمرک واقع شده بود و انتهاش به بازارچه جدید شهرداری (صفا) ختم می‌شد؛ در گوشه میدان سه مخزن بزرگ تأسیسات آب شیرین کن که از آلمان سفارش داده شده و از گمرک تخلیه کرده بودن هنوز اونجا بود، و زمانی که هویدا نخست وزیر وقت اومد بوشهر برای کمک به تامین آب آشامیدنی و کشاورزی بوشهر، دستور خرید آب شیرین کن صادر کرد و قرار بود که این دستگاهها در منطقه سرتل و کنار دریا نصب بشن و آب شور دریا را تبدیل به آب شیرین کنن.

اسم این زمین خاکی، بنام میدون اَبکار تاجر بوشهری صدا میشد و بچه های محله دهدشتی هر روز بعدازظهر تو میدون فوتبال بازی می کردن، و یکی دو روز در هفته هم (گل بگیر شَده) بازی می کردند که ورزشی تقریبا شبیه بیسبال امریکایی بود.

خلاصه قدم زنان رفتم تا رسیدم به ایستگاه مینی بوسهای شهری شهرداری، که تقریبا قسمت بالایی خیابان دهقان و در کنار بانک کشاورزی بود، باید ۱۰ تا ۱۵ دقیقه منتظر می ماندم تا سرویس خط ظلم آباد و شکری و باغ زهرا برسه، روبروی دیوار و درب شیشه ای بانک توجه ام به تعدادی عکس ۶ در ۴ اشخاصی که در یک پوستر رو شیشه بانک زده بود جلب شد، عکس افراد تحت تعقیب بود. کارمندی از بانک بیرون آمد و من ازش پرسیدم، آقا این عکسا کیا هستند که تحت تعقیب قرار گرفتند؟

اون آقا که انگار حوصله حرف زدن نداشت یه نگاهی کرد و گفت اینا بلیط بخت آزمایی برنده شدن، البته انگار سربه سرم می ذاشت!

چون وقتی نوشته های ریز روی پوستر رو خوندم دیدم خبر حمله مسلحانه تعدادی از تروریست‌های مارکسیستی به بانک شعبه سیاهکل رو خبررسانی کردن، متوجه شدم که قرعه کشی بلیط بخت آزمایی در کار نبوده!

برگشتم بطرف ایستگاه نگاهی به ردیف کامیونهای باربری که در پشت دیوار گمرک به نوبت وایساده بودند کردم؛ همه کامیونهای بزرگ امریکایی اینترناش و ماک و بنز بودند، هر چند دقیقه ای کامیونی از در گمرک بیرون میومد و به سنگینی به طرف باسکول می رفت، غرق نگاه به راننده های کامیون بودم که مینی بوس کرم رنگ شهرداری رسید؛ جعفر حاجی زاده بوشهری راننده مینی بوس بود؛ جعفر سیه چرده بود و یه سبیل چنگیزی نازکی هم پشت لب داشت و در کل از راننده های خوش لباس و خوش تیپ بحساب میومد.

تا از مینی بوس پیاده شد پاش گذاشت رو سپر و پاچه شلوار قهوه ای اتو شده اش زد بالا و با دستمالی که در دست داشت کفش های قهوه ایش رو که با رنگ جوراب و شلوارش بقول امروزیا ست بود، برق انداخت؛ مسافران که اکثراً دانش آموزان دبیرستان بودند یکی یکی سوار شدند، منتظر سوار شدن بودم که چند نفر از دوستام که فوتبالی بودن اومدن و با هم همراه شدیم؛ حسن غلامی نژاد؛ که هافبک تیم شاهین بود و جعفر شهر آزاد (گنجو) و غلام اقدام دوست و همکلاسی من و حسن و یکی دیگه از بچه های بزرگ سال ظلم آباد که هوادار سرسخت ایرانجوان بود و از دوستان نزدیک من و از بچه های شاهین و بالاخره حسین کیانی کارگر شرکت صنایع دریایی رسید که خوش لباس و با کلاس بود و از شرایط و محرومیتها آگاه، از نظر ظاهر کمی شبیه لخ والسای لهستانی بود؛ سبیل های پرپشت و موهای کوتاهش ظاهر خاصی بهش داده بود همگی رفتیم و روی ۵ ردیف صندلی آخر مینی بوس نشستیم، جعفر آقا اومد بالا بلیط ها را یکی یکی گرفت و پاره کرد و نشست پشت فرمون؛ پنکه کوچیکی که رو داشپورت جلو صورتش نصب کرده بود روشن کرد و از تو آینه نگاهی به مسافراش انداخت و بالاخره حرکت کرد، همه با هم حرف می زدند، ما هم از هر دری می گفتیم و هر از گاهی هم با صدای بلند می خندیدیم، همی که صدای خندمون کمی بلندتر می‌شد جعفر آقا از تو آینه نگاهمون می کرد، غلام اقدام که عاشق بود و کمی هم از روزگار دلخوری داشت، آهنگ مورد علاقه اش از امیر رسایی را زیر لب زمزمه می کرد؛ می خوند:

رفتم من از یاد؛ از دیده فریاد! و بعد کم کم رفت تو حس و رفته رفته صداش رفت بالا و بالاتر! جعفر آقا نیش ترمزی زد و سرعت مینی بوس رو آورد پایین بعد از تو آینه چشم غره ای رفت و گفت یا ساکت باشین و یا همینجا پیاده بشین برین پی کارتون!

غلام پشت سرش خاروند و ساکت شد و حسن غلامی نژاد هم شروع کرد از تمرین فردای شاهین صحبت کردن، گنجو که دم پنجره نشسته بود انگار با ما قهر بود فقط نگاهش به بیرون بود و با کسی هم حرف نمی زد، ازش سؤال کردم گنجو مِی چه شده؟ خماری!؟

حسین کیانی پرید وسط حرفم و گفت لابد جهازش تو غُپی غرق شده و یا غرابش لُهام کرده ......

غلام اقدام که حالش گرفته شده بود، با آرنجش زد تو دنده من و گفت محمود جون خُت سی آغات بگو ای رانندِیکو خیلی بد اخلاقن؛ تا اخراجش کنه!

گفتم آغام باهاش رفیق جِنگ و جون جونین، ای حرفا تو گوشش نمیره!

ایستگاه به ایستگاه رفتیم تا رسیدیم دم ایستگاه سینما فانوس، درست سر کوچه پشت سینما؛ کمی داخل تر؛ طرف قبله دیوار سنگچین شده باشگاه شاهین بود که داشتن کارهای اولیه ساختمانیش انجام می دادن، در مینی بوس باز شد و دو سه نفر پیاده شدند، مَخال (محمدرضا صالحی زاده) بازیکن شاهین با لباس یونیفرم آبی رنگ نیروی هوایی سوار شد، رو اولین پله مینی بوس وایساد و کلاه ارتشی که سرش بود برداشت و رو همون رکاب وایساد چون جا نبود و نمیتونس بیاد وسط مینی بوس وایسه، قدش بلند بود و سرش به سقف می خورد؛ جعفر بوشهری یه نگاه به مَخال کرد و گفت سرگروهبان اونجا وایسادی نمی تونم آینه بغلم ببینم، مخال گفت خو جا خالی نی کجا بشینم؟ جعفر گفت جا نی، خُو پیاده شو برو دومن، با مینی بوس بعدی برو، غلام صداش کرد و گفت بیا اینجا پیش ما بشین، مخال هم دولا دولا راه افتاد و با گفتن ببخشین ببخشین اومد پیشمون که بشینه.

خلاصه به اولین ایستگاه ظلم آباد رسیدیم درست اول ورودی ظلم آباد، خیلی‌ها پیاده شدند، ما جابجا شدیم که گنجو از صندلی آخری بتونه بیاد بیرون و پیاده بشه. تا از پیش ما گذشت که بره مخال یه متلکی بهش گفت، مخال دستش گذاشت رو صورت خودش و داد زد آخ گنج زد ری سالکم (سالک) منظورش سالکی بود که رو صورت گنجو بود...

اون سمت خیابون و ایستگاه، مینی بوس دیگه ای بود که داشت مسافر سوار می کرد که بره طرف شهر، جعفر، راننده مینی بوس را صدا کرد و ازش پرسید حیدر تریپ آخر تو هستی امروز؟ حیدر آبادی سرش از شیشه بغل آورد بیرون و دست گذاشت بغل گوش بزرگش و داد زد چه میگی آغا؟

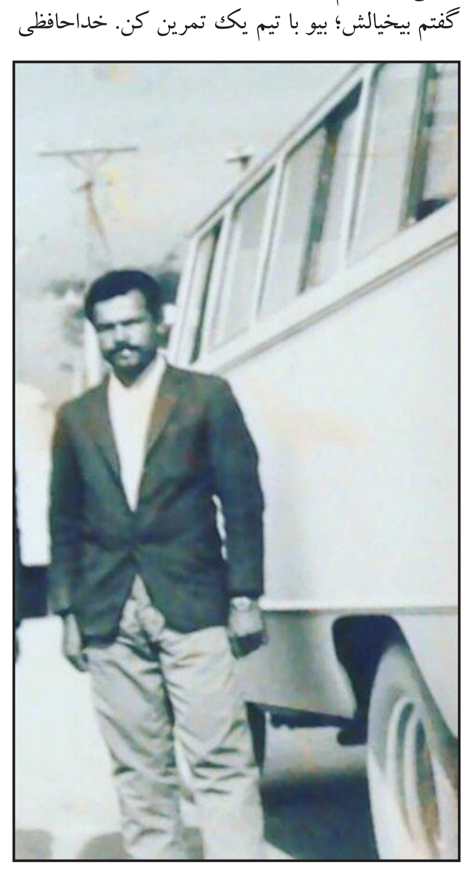
جعفر تکرار کرد امروزا! امروزا! حیدر پرسید خو امروز چه؟ جعفر دوباره پرسید میگما امروز سرویس آخر تو میری؟ یا مُو؟

حیدر انگار بازم متوجه نشد؛ ترمزدستی مینی بوس کشید و پیاده شد و با پاهای پرانتزیش که شبیه پاهای خودم بود لنگان لنگان اومد پیش جعفر، گوشاش بسکه باد خورده بود کمی سرخ شده بود و همینجور که حرف می زد گوشهاشو می کشید و می مالیدش که گرم بشه و به جعفر می گفت ببخش بسکی صدای ووری باد تو گوشمن و صدای مسافرها، دیگه انگار کر شدَم. غلام اقدام که کمی شوخ طبع بود هی با سرش به راننده ها اشاره می کرد و می گفت، دِبَل ...، دِبَل....

غلام اقدام دو سه بار جوری که صداش شنیده بشه گفت دَبَل !دبل! جعفر بوشهری متوجه شد؛ از تو آینه ی بالای سرش نگاهی به غلام انداخت و پرسید مگه تو اینجا پیاده نمیشی؟ جواب داد نه! مو ایستگاه بعدی دم مدرسه ۲۵ شهریور پیاده میشُم!

جعفر با حیدر آبادی که راننده یه مینی بوس دیگه بود خداحافظی کرد و راه افتاد، بعد از دو سه دقیقه؛ ما ایستگاه بعدی پیاده شدیم، حسن غلامی نژاد گفت محمود! امروز جلال تو تمرین داغونمون می کنه. بعد او باختی که دادیم سیمون خووسونده.

گفتم بیخیالش؛ بیو با تیم یک تمرین کن. خداحافظی



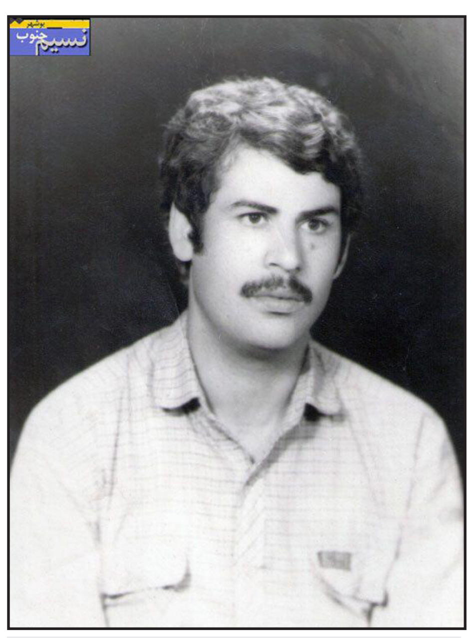
جعفر حاجی زاده بوشهری در کنار مینی بوس شهری خط ظلم آباد و شکری

کردم و رفتم خونه. وارد حیاط که شدم بوی حلوای آردی و دارچین رنگینک تو خونه پیچیده بود، اهالی پخت و پز هم تو آشپزخونه داشتن سفره ناهار تدارک می دیدن. منم رفتم لباس عوض کردم و آبی به صورتم زدم و شلوار گرم آبی آسمونی آدیداسم که از مغازه عباس کازرونی گرفته بودم پوشیدم و تو راهرو بالاخونه که وسط دوتا اتاق بود، حصیر نرمه ی پلاستیکی که عامو خدر بارانی از کویت آورده بود، کنار معجر (نرده) انداختم و دراز کشیدم.

باد نه گرم و نه سردی می وزید، خسته بودم و هوا هم هوای چُرت بعد از ظهری بود، یهو خوابم برد نمی دونم چقد خوابیده بودم که لیلا اومد بالای سرم و صدام کرد، می گفت محمود پاشو، بیدار شو، بیو که سنگسر منتظرت تو سینی دراز کشیده، یالا بخور که الان حسین حمزه پیان با اسب شیطونش میاد بوق شاهینی می‌زنه تا گفت هله لنگ، تو بگو جکه لنگ! برو فوتبال، ما هم تو خونه صب تا شو حمالی کنیم، خدا هم میفهمید که زنا چه میکشن که زن نشد! بسکه گفت و گفت از خواب پریدم!

بچه ها و بزرگترا یکی یکی اومدن سر سفره نشستن، سنگسر وسط سفره دراز کشیده بود تو سینی و بخار از نفسش بلند می‌شد؛ بوی سیر و فلفل و گیشنیز تو دهنش، از تو هوای خونه می‌شد بچشی، تربیزه (تربچه) گورک و عالی چنگی و پیاز و پرپین و بگل (تره) هم دور و بر سفره منتظر مشتری نشسته بودن؛ چند تا بشقاب رنگینک هم در چند گوشه سفره چیده شده بود، پلو سفید تو یه دیس بزرگ از راه رسید و کنار سنگسر نشست وسط سفره!

لیلاِ روغن حیوانی که تو کاسه رویی داغ کرده بود از رو اَسوم (کفگیر) ریخت رو پلو سفید که بخار ازش بلند می‌شد، آقام (پدرم) از راه رسید و نشست سر سفره و اونجا بود که سنگسر تیکه پاره شد دیس پلویی هم ته روییش پیدا شد، مثه تیر همه چیز رفت تو بشقاب‌های سر سفره، هیچ کس موقع خوردن حرف نمی زد و تنها صدای جنگ قاشق و بشقاب میشنیدی، خوردنی ها را خوردیم و همه کمک کردند و سفره جمع شد و هر کی یه گوشه ای از اتاق کنار پنجره ای دراز کشید که نوازش



محمدرضا صالحی زاده (مخال) بازیکن شاهین بوشهر و ظلم آباد

باد، مست خواب بعد از ناهارش کنه!

من سریعتر از برادرم پرویز کنار معجر تو راهرو رو حصیر نرمه جا گرفتم، و در حالت خواب و بیدار گوش به زنگ بودم که کی حسین حمزه بیان پیداش میشه، لیلا هم خسته از حمالیهای تو خونه کنار ماها تو راهرو دراز کشیده بود، ساعتی گذشت که صدای بوق با ریتم شاهینی (دیددیدیددیددید) چُرتُم پاره کرد، لیلا هم بیدار شد و با اعتراض گفت، یالا بدو اسب شیطون هوندا صدات زد! تند رفتم پایین ساک فوتبالم که تو انبار چندلی قایم کرده بودم برداشتم و رفتم بیرون از خونه و همراه حسین رفتیم سر تمرین.

احمد تورانی با جواد گرانبها و جلال غریبی و غلام بوالخیری زودتر از همه اونجا بودند، بقیه هم یکی یکی پیداشون شد، آقا جواد با جلال غریب زاده چند تا از بچه های جدید که از تیم جوانان آورده بودن به تیم بزرگ سالان، در یه گوشه از زمین جمع کرده بودند و داشتن باهاشون حرف میزدند، حسن غلامی نژاد، ابراهیم حق شناس، محمد محبوبی و غلام صفایی و اردشیر محمدی، در واقع بعد از جدا شدن ما هفت نفر از شاهین و رفتن به ابومسلم و برق شیراز، امیدشون به این جوانان بود که جایگزین بشن.

تمرین شروع شد و حدود ۲ساعت طول کشید، همه خسته و تشنه اومدیم رو سکوهای سیمانی تماشاگران نشستیم و آقا جواد هم ایستاده شروع کرد سخنرانی در رابطه با برنامه های آینده تیم و توقعات مربیان از بازیکنان! اینم تموم شد و هر سه چهار نفر با هم پیاده رفتیم طرف حموم شهرداری که دوش بگیریم.

رسیدیم و هر کی لخت شد و با شورت فوتبالیمون رفتیم زیر دوش، من و احمد تورانی زیر دوش بودیم و نظاره گر جلسه آقا جلال با بازیکنان تیم جوانانش که چار پنجتا شون بغل دیواری که کیسه کشها مشتریاشون رو کیسه میکشیدن، گیر آورده بود و با لحن بسیار خشن و با توپ و تشر داشت در مورد باخت روز قبل باهاشون صحبت می کرد، مخاطب اولش محمد محبوبی بود.

محبوبی تو چت بید امروز؟ این همه تو دوری (بشقاب) نهادُم و دورت گشتُم، بعد ایجوری تو بازی ره می‌زنی؟ بیچاره دِییم (مادرم) مرده بید از پخت و پز... با او دِس دردش!

محبوبی نُطُق نمی کشید، لام تا کاف حرف نمی زد و سرش انداخته بود پائین و نقش نگار موزاییکهای کف حموم تو دلش می شمارد، آقا جلال نگاهی به حسن غلامی نژاد که کنار محبوبی وایساده بود انداخت و یهو ترکید، تو چه کردی؟ هر روز مثه عروس میام از ظلم آباد میذارمت تو ماشین رنو میارم و میبرمت، حسن هم در مقابل طوفان خشم آقا جلال ساکت و صامت وایساده بود، اومد که یه چیزی بگه، یهو حرفش خورد، جلال گفت چه می‌خوای بگی؟ ها؟ می تونی حرفم بزنی؟

جوابش داد نه آقا، آب دهنم قورت دادم. ابراهیم حق شناس کنار غلام صفایی وایساده بود و مثه نفر دوم چهارده معصوم و انگشتش تو دهنش بود و هی ناخنش می‌خورد و لحظه به لحظه منتظر بود که کی نوبتش میشه، طولی نکشید که مثل اجل معلق رو سرش حاضر شد، تو چت بید؟ آقای حق شناس، هر روز تو تمرینا مثه گوجیک (گنجشک) فر می کردی! امروز چت بید؟ مثه مرغ پابسته شده بیدی، و اِبرِیم بیشتر تو خودش فرو می رفت و هی با یه پاش رو پای دیگش می کشید و چشماش مشغول نگه داشته بود و سرش بالا نمی کرد.

اردشیر محمدی که اوضاع خراب دیده بود یواشکی از اون گوشه رفت پیش عباس احمدی و مشغول دوش گرفتن شد.

جشن صعود شاهین با آواز «هلل یوس هل یوسه»



همه از بوشهر به تهران آمده‌اند. سرخ‌پوشان پاکدشت، قرار است آخرین رقیب لیگ یکی شاهینی باشد که ده سال منتظر مانده. برای باشگاهی که هر سال بازیکنانش را به بهترین تیم‌های کشور صادر می‌کرده، ماندن در لیگ یک چیزی فراتر از یک حقارت عادی است. اما برای غرورمندی، باید زجر کشید. حالا بازی در شهرک اکباتان تهران است اما انتظار، از بوشهر آغاز شده و هیچکس دلش نمی‌خواهد در بندر جنوب ناامید باشد. جایی هم برای ناامیدی نیست. گل ریحان به شهرداری تبریز باخته و شاهین بوشهر برای رنگ دادن به یکی از زیباترین رویاهایش فقط به یک پیروزی با حداقل فاصله نیاز دارد.

از همه جا آمده‌اند؛ بوشهر، فاریاب، کنگان، بوشکان و برازجان. شاهین برای بوشهری‌ها مثل بارسلونا است برای کاتالانی‌ها. کسی نمی‌تواند با تیمی که هویت یک قومیت است، شوخی کند. شاهین شهرداری حالا ۵۱ امتیازی است و در آستانه صعودی تاریخی. رقابت مقابل سرخپوشان پاکدشت آغاز می‌شود. قرار بود پاکدشتی‌ها میزبان باشند اما صدای سکوها از شاهین سخن می گوید. اوضاع لیگ یک نامنظم است و علیرضا فغانی که به عنوان داور این رقابت حساس انتخاب شده، احساس می کند جوراب دو بازیکن شاهین با سایر مهره‌های عبدالله ویسی متفاوت است. داور رده‌بندی جام جهانی، دو بازیکن را راهی رختکن می کند تا جوراب‌هایشان را عوض کنند و همین فرصتی می‌شود برای سرخپوشان تا پنج دقیقه مقابل مدعی ۹نفره بازی کنند.

نیمه اول بدون گل به پایان می‌رسد. شاهین تیم برتر زمین است و احتیاط شرط عقل. ویسی دوست ندارد هیچکس ناراحت به بوشهر بازگردد. محمد محبی، اولین گل بازی و آخرین گل فصل شاهین بوشهر را به ثمر می‌رساند. حالا شاهین با ۱۴ پیروزی، ۱۲ مساوی و ۴ باخت، ۳۴ گل زده و فقط ۱۷ گل خورده است. با یک امتیاز فاصله از گل‌گهر سیرجان، آخرین هفته لیگ یک را استراحت می کند و اگرچه شانس قهرمانی را از دست داده اما دلایل زیادی برای شادی کردن وجود دارد. بوشهری‌ها حالا به دومین تیم لیگ برتری‌شان لبخند می‌زنند و داستان از همان جایی که در تهران تمام شده، در بوشهر آغاز می‌شود.

در بوشهر هیچکس بر روی زمین نیست. شهر سراسر شادی و شور است. انگار بذر عشق را به سراسر شهر پاشیده‌اند. شاهین به لیگ برتر برگشته و شاید پس از مدت‌ها، یک دلیل منطقی برای سر دادن آواز «هلل یوس هل یوسه» وجود داشته باشد. بوشهر و کافه‌هایی که خیلی زودتر از کافه‌های تهران قهوه سرو می کردند، آرامشی ندارند و همه جا افتخار به حماسه‌ای در جریان است که نباید فراموش شود. شاهین شهرداری بوشهر، یادآور دو تیم تنومند فوتبال ایران است. نخست شاهین بوشهری که تا یک دهه پیش در لیگ برتر بازی می کرد و عقب‌تر از آن، شاهین تهران؛ باشگاهی که زیر سایه سیاست از میان رفت.

اما شاهین بوشهر نمی‌خواهد قربانی شود. حالا دو باشگاه حرفه‌ای بوشهری‌ها در لیگ برتر هستند و فقط ایرانجوان غایب است. انگار بوشهر هم مسیرش را در فوتبال ایران پیدا کرده و از سال آینده، جنون دوست داشتنی‌ترین ورزش جهان در جنوب ایران، به بالاترین سطح ممکن می‌رسد.



www.
nasimjonoub
.com
پایگاه خبری تحلیلی نسیم جنوب
خبرها و مطالب مهم
را روزانه ببینید و بخوانید

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

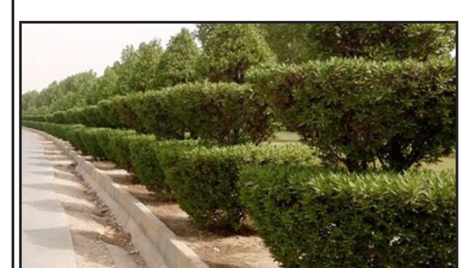
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



ماجرای قطع درخت در خیابان‌های بوشهر چه بود؟

سرپرست سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری بندر بوشهر از جایگزینی درختان مرکبات به جای کنوکارپوسهای سطح شهر بوشهر خبر داد.
به گزارش ایسنا، محمدرضا حسین پور در خصوص برخی اظهارات در فضای مجازی درباره قطع درختان خیابان فرهنگ، اظهار داشت: تعدادی از گونه‌های درختان کاشته شده در سطح شهر از جمله خیابان فرهنگ در سالهای گذشته (کنوکارپوس) از لحاظ محیط زیست، تخریب معابر، گرفتگی لوله فاضلاب و غیره مشکلات فراوانی برای عموم مردم و این سازمان به وجود آورده بودند.
وی افزود: در این مورد و با توجه به درخواست اهالی و ساکنان محل برای رفع این مشکلات اقدام کردیم.
سرپرست سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری



شهرداری بندر بوشهر تصریح کرد: در نهایت با توجه به لایحه شورای اسلامی شهر و کمیسیون ماده ۷ و شرایط اقلیمی شهر بوشهر، این سازمان تصمیم گرفت به جای گونه‌های درختان کنوکارپوس از درختان مرکبات در مناطق یک و دو استفاده کند.
حسین پور بیان کرد: همچنین سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری بندر بوشهر بنا دارد درختان کنوکارپوس را برای کاشت مجدد در موقعیت جدید (ضلع شرقی پارک لیان) انتقال دهد.
به گزارش ایسنا، "کنوکارِپوس" یک درخت همیشه سبز است که معمولاً در مناطق گرمسیر و خاک شور کاشته می‌شود. مناطق کاشت آن نیاز به زهکشی و مواد معدنی آلی ندارد و مقاومت خوبی در برابر محیط سخت دارد.
به عنوان یک درخت مقاوم به شوری و گرما و همچنین کم‌آبی جهت حفاظت از سواحل و اراضی شور کاشته می‌شود و با توجه به مقاومت بالا به خاک‌های شور به خوبی در نواحی نزدیک دریا کاشت می‌شود و همچنین در شهرها در کناره پیاده‌روها و میادین و خط میانی خیابان‌ها کاشته می‌شود.
این درخت سایه خوبی دارد و به همین دلیل برنامه کاشت آن در شهرهای گرم کشور توسط شهرداری‌ها و سازمان‌های مرتبط با سرعت خوبی در حال پی گیری است.
برنامه کاشت آن در کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین کشور عربستان سعودی و عراق و ایران که مناطق گرم و خشک و معمولاً با خاک شور دارند ادامه دارد و نمای زیبایی به شهرها می‌بخشد.
از جمله استان‌هایی که در ایران این درخت کاشته می‌شود می‌توان به خوزستان، بوشهر و هرمزگان اشاره کرد.
این گیاه در نواحی ساحلی می‌روید ولیکن در نواحی ساحلی و خشک نیز قابل کشت است.
محیط زیستی آن را گونه‌ای مهاجم می‌دانند که با آب و هوای ایران سازگاری ندارد و منابع آبی را هدر می‌دهد.
در هر خیابان و محله بوشهر و همچنین در مسیرها و محل‌های اصلی شهر مثل باغ زهرا، بلوار شکری، عاشوری، صلح آباد، بلوار ساحلی و شهید چمران و در اکثر بلوارهای بوشهر درخت کنوکارپوس وجود دارد، ولی به شکل ۱۰۰ درصد نبوده است.
درخت کنوکارپوس در خیابان‌های صلح آباد، از باغ زهرا تا سه راه گمرک، حاشیه بلوارها از خیابان باغ زهرا به سمت میدان امام هم وجود دارد ولی در میان اینها نارنج کشت شده که در آینده و پس از رشد آنها، درختان کنوکارپوس جابجا خواهد شد.
درخت کنوکارپوس هر جا که آب باشد چندین متر را طی کرده که به آن برسد و در نتیجه سیستم فاضلاب را تخریب می‌کند. جابجایی درختان درخواست شخصی ساکنان محلات و شورای شهر و محیط زیست بوده است که البته هیچ درختی قطع نشده است و انتقال داده و کاشت مجدد خواهد شد.

سقوط تلخ ایران جوان به لیگ دسته سه

ایران جوان بوشهر یکی از تیم‌های قدیمی فوتبال کشورمان است که متاسفانه در این فصل به دلیل عدم حمایت مسئولان، این تیم دوست داشتنی بوشهر به لیگ دسته سوم سقوط کرد.
ایرانجوان بازیکنان مهمی که پیراهن تیم ملی را طی دهه اخیر بر تن کرده‌اند را به فوتبال کشورمان معرفی کرده و هواداران این تیم امیدوارند تا با تلاش مجموعه باشگاه و حمایت مناسب مسئولان این تیم دوباره به لیگ دسته دو برگردد و بتواند روند رو به رشدی را در پیش بگیرد.

ایران جوان
IRANJAVAN
۱۳۲۷-1948

درگذشت محمد آذری شاعر بوشهری مقیم آبادان

محمد آذری شاعر بوشهری مقیم آبادان درگذشت.
محمد آذری بوشهری در سال ۱۳۲۰ در بندر گناوه متولد شد. شعرهای او در مجله‌های «تهران مصور»، «فردوسی»، «آدینه» و... منتشر می‌شد. در دهه ۴۰ به واسطه او، احمد شاملو و دیگر شاعران مطرح معاصر برای جلسات شعرخوانی به آبادان دعوت می‌شدند.
از او مجموعه شعرهایی با عنوان «بی‌پناهی» در سال ۱۳۴۶، «سرود دره شقایق» در سال ۱۳۵۰، «مانا» در سال ۱۳۸۱، «نام تو نام باران» در سال ۱۳۸۴، «هنوز بوی تو می‌آید» در سال ۱۳۸۹، داستان «سبیلم» در سال ۱۳۸۱ و «باران بهار»، گزیده چهار کتاب شعر، منتشر شده است.
نسیم جنوب این ضایعه را خدمت جامعه ادبی و خانواده آن مرحوم تسلیت می گوید.



کشته شدن پدری به دست فرزندش با شلیک اسلحه در جشن عروسی

فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: مرد ۳۵ ساله دشتستانی در حین تیراندازی در جشن عروسی بر اثر بی احتیاطی جانش را از دست داد.
به گزارش ایلنا، سردار خلیل واعظی اظهار داشت: پس از دریافت گزارش تیرخوردگی در مراسم عروسی در روستای "دهرود علیا" از توابع شهرستان دشتستان بلافاصله تیم گشت انتظامی بخش ارم به محل مورد نظر اعزام شد.
وی افزود: بنا بر بررسی‌های اولیه مشخص شد فرد ۳۵ ساله‌ای به هویت "ع" در جشن عروسی با اسلحه‌ای که در دست داشته چندین نوبت اقدام به تیراندازی می کند.
وی افزود: زمانی که مهمانان در حال کادو دادن به عروس و داماد بودند این فرد اسلحه را کنار خودش گذاشته و سرگرم تماشای مراسم می‌شود.
سردار واعظی تصریح کرد: به گفته شاهدان، کودک خردسال این فرد که کنار پدرش ایستاده بود در حین بازی با اسلحه ماشه را فشار داده که با شلیک تیر سمت چپ گردن و مغز پدرش را متلاشی می کند.
فرمانده انتظامی استان بوشهر با ابراز تأسف شدید از بروز این حادثه گفت: تنها راه مؤثر جهت پیشگیری از وقوع چنین حوادث خونبار و فاجعه آمیزی همکاری همه جانبه مردم و صاحبان عروسی است.
وی بیان کرد: ضربات و لطمات روحی و روانی و همچنین ترس و وحشت زنان و کودکانی که شاهد چنین حوادثی هستند جبران ناپذیر است و به سختی قابل درمان خواهد بود.
سردار واعظی با بیان اینکه تحقیقات در مورد این حادثه ادامه خواهد داشت، خاطرنشان کرد: اسلحه مورد استفاده از نوع "برنو" و مجوزدار بوده که به وسیله پلیس توقیف شده است.

تجلیل از خدمات علمی پرفسور مشفقیان در دانشگاه خلیج فارس بوشهر

در نشست هیأت امناء دانشگاه خلیج فارس با حضور دکتر باقری قائم مقام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ریاست هیأتهای امنا و هیأت های ممیزه، رییس دانشگاه و استاندار بوشهر از خدمات ماندگار و ارزنده علمی پرفسور مشفقیان اولین رییس دانشکده فنی و مهندسی بوشهر تقدیر بعمل آمد.
دکتر عبدالمجید مصلح رییس دانشگاه خلیج فارس در این نشست گفت: در طی این سالها دکتر مشفقیان علاوه بر خدمات ارزنده علمی و پژوهشی، مؤسس جایزه برگزیدگان علمی پرفسور مشفقیان در دانشگاه خلیج فارس بوده، و هر ساله تعدادی از دانشجویان رشته مهندسی نفت و مهندسی شیمی که از لحاظ علمی برتر باشند، می توانند از این جایزه که یک کمک هزینه تحصیلی است، استفاده کنند.
دکتر مصلح افزود: هدف پرفسور مشفقیان از این بورسیه این است که دانشجویان منتخب هیچ دغدغه دیگری بجز تحصیل نداشته و با آرامش خاطر به کسب علم و دانش بپردازند و قله های رفیع علم را فتح کنند.
مصلح ادامه داد: دانشجویان مستعد در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری شاغل به تحصیل در دانشگاه خلیج فارس در رشته های مهندسی و بومی استان بوشهر بودن از جمله شرایط این فراخوان است.



وی اظهار داشت: دانشجویان کارشناسی سال دوم، سوم و چهارم و همچنین دانشجویان کارشناسی ارشد سال دوم باید جز ۱۰ درصد اول رشته های مهندسی باشند.
مصلح ادامه داد: دانشجوی دکترای سال دوم به بعد نیز باید حداقل یک مقاله آی.اس. آی داشته و یکی از مدارک زبان انگلیسی آیلتس حداقل ۶ یا تافل حداقل ۵۰۰ داشته باشد.
وی ادامه داد: تمدید بورسیه دانشجویان دکترا منوط به گزارش پیشرفت علمی با تأیید استاد راهنما و ارائه گزارش پیشرفت و رساله دکتراست.
دکتر مصلح اظهار داشت: دانشجویان حائز شرایط یاد شده می توانند با مراجعه به سایت دانشگاه خلیج فارس ((https:// pgu.ac.ir/page/omid نام نویسی کنند.
پروفسور مشفقیان ۶۸ ساله فوق دکتری رشته شیمی و در دانشگاه‌های خلیج فارس، دانشگاه شیراز، اوکلاهما (امریکا)، سیدنی (استرالیا)، صنعت نفت (اهواز و آبادان) و قطر تدریس کرده است.
وی نخستین رئیس دانشگاه خلیج فارس بوشهر نیز بوده و با توجه به علاقه وافر به این دانشگاه و زادگاهش طرح جایزه‌ای برای حمایت از دانشجویان مستعد دانشگاه را مطرح کرد.
در پی خدمات و تلاش‌های گسترده علمی، آموزشی و پژوهشی پروفسور مشفقیان، به دعوت کمیته علمی سازمان کنفرانس اسلامی، به عضویت این کمیته درآمد و چند سال پیش نیز به عنوان دانشمند برتر جهان اسلام معرفی شد.
در سال ۸۸ هم از وی در آئین نکوداشت هفته بوشهر به عنوان چهره ماندگار تجلیل شد.
دانشگاه خلیج فارس بوشهر حدود هفت هزار دانشجو در ۲۹ رشته کارشناسی، ۴۸ رشته کارشناسی ارشد و ۱۳ رشته دکتری دارد.

گفتاری درباره سیل های اخیر

دنیا را آب می برد و نهادهای آموزشی ایران را خواب

جعفر محمدی



– در سفری که پاییز ۱۳۹۶ به ژاپن داشتم، دوستی ایرانی در آنجا پیدا کردم که اغذیه فروشی کوچکی داشت و بیست سالی بود که در توکیو زندگی می کرد.
– درباره ژاپن و مردمش بسیار گفت و بسیار آموختم ولی در میان تمام چیزهایی که گفت یک نکته برایم قله بود: "نظام آموزشی ژاپن، یک سیستم پیش بین است؛ بدین معنا که مسیر زندگی عمومی دانش آموزان در سال های زندگی را می بیند و هر آنچه در موقعیت های آتی بدان نیاز پیدا می کنند را آموزش می دهد. مثلاً تمام آنچه یک فرد باید قبل، حین و بعد از زلزله انجام بدهد را به بچه ها می آموزند، یا درباره رفتار با توریست ها، پس انداز، مصدوم شدن، سبک تغذیه، معاشرت و ... به آنها آموزش می دهند و این آموزش ها را آنقدر تکرار می کنند تا به ملکه ذهن بچه ها تبدیل شود.
– این، دقیقاً نقطه مغفول نظام آموزشی ماست که در معنای خاص، آموزش و پرورش و آموزش عالی و در معنای عام علاوه بر این دو، نهادهای فرهنگی، تبلیغی و رسانه ای را نیز شامل می شود.
– تا اینجای بحث را داشته باشید تا سری بزنیم به برخی مناطق سیل زده کشورمان. پیشتر به نقل از یکی از دوستان مطلع هلال احمری که خودش در مناطق سیل زده حضور میدانی دارد نوشتم که می گفت ما به اندازه سه برابر نیازهای غذایی مردم سیل زده، دپوی مواد غذایی داریم ولی در توزیع آن با مشکل مواجه هستیم: "بسیاری از مردم در صف نمی ایستند، برای گرفتن اقلام امدادی هجوم می آورند، به یکی ده بسته می رسد و دیگری دست خالی می ماند! یا افرادی از برخی روستاها، به کامیون های حامل کمک ها حمله می کنند و نمی گذارند اقلام به روستاهای بعدی برسد، حتی در مواردی خلبانان و کمک خلبانان هلال احمر را کتک زده اند و نظایر این ها!"
– واقعاً چنین وضعیتی از عدم آموزش صحیح مردم و فقدان فرهنگ سازی مناسب حکایت نمی کند؟ آیا جز این است که همه نظام آموزشی ایران از مهدکودک تا دانشگاه و این همه نهاد مدعی فرهنگی و تبلیغی و رسانه ای هنوز نتوانسته اند موضوع پیش پا افتاده ای به نام صف را به مردم یاد بدهند یا درباره رعایت حقوق همدیگر به ویژه در موارد بحرانی، آموزش دهند؟!
– در همان ژاپن بعد از سونامی چند سال پیش، مردم بحران زده ای که برای خرید مواد ضروری زندگی به یک فروشگاه زنجیره ای رفته بودند، وقتی با قطع برق و از کار افتادن سیستم صندوقداری فروشگاه مواجه شدند، هر آنچه از قفسه ها برداشته بودند را سر جایش گذاشتند و به آرامی از فروشگاه خارج شدند.
– در سیل اخیر ایران نیز مناطقی که با توجه به بافت جمعیتی و قومی از قوام فرهنگی بیشتری برخوردار بودند و از جمله آموزش های درون عشیره ای در آنها قوی تر بود، رفتارهای انسانی تری داشتند کما این که همان دوست هلال احمری از روستاهایی می گفت که هلی کوپترهای هلال احمر برایشان کمک می بردند و آنها با اعلام این که "ما نیاز نداریم"، هلی کوپترها را به روستاهای بعدی دلالت می کردند.
– اگر فقر فرهنگی و آموزشی نداشتیم، اولاً بسیاری از زمینه های خسارت بار سیل مانند ساخت و ساز در حریم رودخانه ها و تعرض به محیط زیست وجود نداشت و ثانیاً روند امدادرسانی، معقول تر و سریع تر پیش می رفت.
– در ماجرای سیل، مجلسی ها، مسوولان وزارت راه و شهرسازی، نیرو و هواشناسی را به مجلس فراخواندند تا درباره احتمال کم کاری هر کدام از این دستگاه ها از آنها توضیح بخواهند. اما واقعیت این است که نه الزاماً خود سیل، که خسارت ها و حوادث بعد از سیل، علاوه بر دستگاه های مذکور، عمدتاً ناشی از کم کاری مستمر و نهادینه شده نهادهای آموزشی و فرهنگی است که البته هیچ کس توجهی بدان ها ندارد و ما، همچنان بدون آموزش های کافی به زندگی هایمان بر اساس آزمون و خطا ادامه می دهیم و مدام آسیب می زنیم و آسیب می بینیم.
عصر ایران

بازگشت شاهین به آسمان لیگ برتر

تیم فوتبال شاهین بوشهر در یک بازی حساس مقابل تیم سرسخت سرخپوشان پاکدشت قرار گرفت که در آخر با کسب پیروزی با نتیجه یک بر صفر برابر رقیبش پس از ۱۰ سال به لیگ برتر بازگشت. تیم فوتبال شاهین شهرداری بوشهر فصل را با محمود فکری بازیکن سابق استقلال شروع کرد، اما در ادامه فصل مدیران این تیم بوشهری سکان هدایت شاهین را به دست عبدالله ویسی کاربلد سپردند و ویسی کار نیمه تمام مربی قبلی را تمام کرد تا این روزها نامش بیش از هرکس دیگری روی زبان مردم بوشهر باشد.
شاگردان عبدالله ویسی در تیم شاهین بوشهر فصل را به عنوان تیم دوم و نایب قهرمان به پایان رساندند. آن‌ها همچنین در راه رسیدن به لیگ برتر آمار خوبی از خود به جا گذاشته اند که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

شوک به فوتبال بوشهر؛ نامه مهم و غم‌انگیز وزارت کشور به شهرداری بوشهر

در حالی که مردم بوشهر در جشن و پایکوبی صعود شاهین به لیگ برتر به سر می‌برند اما متأسفانه خبرهای خوبی شنیده نمی‌شود.
به گزارش "ورزش بوشهر"؛ خبرهای دریافتی از منبعی موثق حکایت از رسیدن نامه‌ای به شهرداری بوشهر می باشد، که در نهایت مانع از حمایت و حضور تیم شاهین شهرداری بوشهر در لیگ برتر می شود.
نامه ای که روز پایانی هفته گذشته از سوی وزارت کشور به شهرداری بوشهر ارسال شده است و تاکید شده است از آنجا که لیگ برتر بعنوان ورزش حرفه ای و قهرمانی شناخته می شود، شهرداری حق تیم داری در این مقطع را ندارد.
شنیده‌ها حکایت از آن دارد که حتی شهردار بوشهر گفته‌اند شنبه به همراه رئیس هیئت مدیره به تهران و وزارت کشور می‌روند که ببینند آیا می‌توانند کاری کنند یا خیر.

رئیس پلیس آگاهی بوشهر:

تکذیب شایعات ناامنی برای بانوان استان بوشهر

رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان بوشهر با بیان اینکه بوشهر از استان‌های امن کشور است، گفت: وقوع جرایم خشن در استان بوشهر ۱۹ درصد کاهش یافت.
به گزارش خبرنگار مهر، جوشن سهرابی در جمع خبرنگاران اظهار داشت: در راستای بهبود وضعیت امنیتی در استان بوشهر اقدامات خوبی صورت گرفته است و شاهد بهبود شاخص‌ها هستیم.
وی از کاهش ۱۹ درصدی وقوع جرایم خشن در استان بوشهر خبر داد و اضافه کرد: طی یک ماه نخست سال جاری کشف جرایم خشن استان ۴۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد داشته است.



رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان بوشهر از افزایش کشف سرقت‌ها و دستگیری سارقان در سطح استان خبر داد و بیان کرد: در زمینه افزایش کشفیات جرایم در سطح استان شاهد وضعیت خوبی هستیم.

تشریح دو حادثه در دلوار

سهرابی در ارتباط با قتل رخ داده در منطقه دلوار نیز بیان کرد: این قتل در منطقه چاه تلخ رخ داده و زنی ۳۷ ساله به قتل رسید که انگیزه قاتل سرقت طلای مقتول بوده که همان روز به جرم خود اعتراف کرده است.
وی خاطرنشان کرد: در اتفاقی دیگر نیز جسد نیمه جان دختر جوانی بدون دخالت عامل انسانی دیگری در منطقه دلوار رها شده بود که به نزدیک‌ترین مرکز درمانی منطقه انتقال داده می‌شود و اینک نیز شرایط جسمانی خوبی دارد و این دو اتفاق هیچ ارتباطی با هم ندارند.

برخورد با شایعه‌سازان

سهرابی با اشاره به اینکه انتشار شایعاتی مبنی بر ناامنی برای بانوان استان کذب است، تاکید کرد: با افرادی که در فضای مجازی اقدام به نشر دروغ، تهمت و شایعه می‌کنند برخورد خواهد شد.
رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان بوشهر تصریح کرد: با تعامل مطلوب مردم و پلیس امنیت خوبی در استان برقرار است و بوشهر از استان‌های امن کشور است.